

نسل‌مانا

ماهنامه نایب‌نیان / سال سوم / شماره ۲۶ / بهمن ماه ۱۴۰۲



برخی عناوین این شماره:

- * نگاهی درون گروهی به چرایی استقبال کم‌رنگ معلولان از تجمعات کشوری
- * چوب حراج سازمان بهزیستی به ۲۷۰ میلیارد تومان اعتبار سفرهای رایگان معلولان
- * آشنایی با ابزاری تازه برای مسیریابی نایب‌نیان
- * نایب‌نیان و کاندیداتوری مجلس شورای اسلامی
- * بریل‌بات؛ پروژه‌ای رایگان و منبع‌باز برای یادگیری بریل

صاحب امتیاز: انجمن نایب‌نایان ایران

مدیرمسئول: امیر سرمدی

سر دبیر: امید هاشمی

نویسندگان: رؤیا بابایی، فاطمه جوادیان، نگین حیدری، امیر سرمدی، جواد سقا، ابوذر سمیعی، منصور شادکام، رقیه شفیعی، امین عرب، موسی عصمتی، محمد نوری، امید هاشمی و زهرا همت

مترجمان: میثم امینی، مریم مشایخی و امید هاشمی

ویراستار: فاطمه محسن‌زاده

ویراستار بریل: روح‌الله رنجبر

طراح لوگو و جلد: ترانه میلادی

عوامل تهیه و تدوین پادکست‌ها: اشکان آذرماسوله، نگین حیدری، امیر سرمدی، رقیه شفیعی و امید هاشمی

گوینده نسخه صوتی: زهرا همت

تنظیم نسخه‌های الکترونیکی: زهرا همت

مدیر شبکه‌های اجتماعی: امیر سپهری

مدیر صفحه اینستاگرام: اعظم چلوی

چاپ بریل: بخش نایب‌نایان کتاب‌خانه مرکزی یزد

صحاف: ماهرخ تجا

توزیع: اداره کل پست استان یزد

حامی مالی: شرکت دانش‌بنیان پکتوس

با سپاس از همراهی علی‌اکبر جمالی، مدیرعامل انجمن نایب‌نایان ایران

چرایی عدم شرکت معلولان در تجمعات سراسری	۲
گزارش عملکرد انجمن نایب‌نایان ایران (بهمن ۱۴۰۲).....	۴
پیشخوان: مروری بر پادکست‌ها و نشریات انگلیسی‌زبان ویژه افراد با آسیب بینایی	۶
دست در دست هم معجزه می‌آفرینیم	۹
تعامل در خرید (بخش نخست).....	۱۱
بریل‌بات؛ پروژه‌ای رایگان و منبع‌باز برای یادگیری بریل	۱۳
ماجرای یک تفاهم‌نامه عجیب: چوب حراج سازمان بهزیستی به ۲۷۰ میلیارد تومان اعتبار سفرهای رایگان معلولان.....	۱۵
تقلیل ساعات کاری افراد دارای معلولیت: آری یا نه؟!.....	۱۸
مشاغل از نگاه یوتیوبر نایبنا	۲۰
نایب‌نایان و کاندیداتوری مجلس شورای اسلامی	۲۲
تلویزیون ایران و پخش فیلم‌های توصیف صوتی شده	۲۴
یاد و خاطره از مهم‌ترین آموزشگاه نایب‌نایان در تهران	۲۶
آدم‌برفی	۲۸
نواک: نوای کتاب در گفتگو با صاحب‌نظران نایبنا	۲۹
نامه‌ای به یک دوست: هفته‌روزنامه ایران سپید؛ اولین رسانه هوشمند در جهان	۳۰

است و از برخی از فراخوان‌ها هم استقبال چندانی به عمل نیامده است. تا یکی دو ماه گذشته، عمده تجمعات معلولان در شهرهای مختلف به صورت مسالمت‌آمیز برگزار می‌شد، اما در چند تجمع اخیر حداقل در تهران این تجمع از سوی نیروی انتظامی به خشونت کشیده شده است. هرچند تغییری در شعارهای تجمع‌کنندگان به وجود نیامده و شعارها و خواسته‌های شرکت‌کنندگان عمدتاً مبتنی بر مطالبات معیشتی بوده است، اما فراگیر شدن این تجمعات در شهرهای مختلف ایران و پوشش گسترده رسانه‌های خارج از کشور باعث شده حاکمیت در مقایسه با سال‌های قبل، حساسیت بیشتری نسبت به تجمعات معلولان نشان دهد.

پرسشی که مطرح می‌شود این است که چرا به‌رغم مشکلات فراوان معیشتی که معلولان با آن دست‌به‌گریبان هستند، این افراد رغبت چندانی برای مشارکت در این فراخوان‌ها از خود نشان نمی‌دهند؟ چرا جامعه نایب‌نایان کشور به نسبت سایر گروه‌های افراد دارای معلولیت حضور کم‌رنگ‌تری در تجمعاتی از این دست دارند؟ به اعتقاد نگارنده، افزایش تعداد فراخوان‌ها و کاهش فاصله زمان برگزاری آنها، باعث شده این تجمعات برای بسیاری تکراری به نظر برسد. ضمن آنکه ساعت حضور افراد در فراخوان‌ها معمولاً در نیمروز و در ساعات اداری انتخاب می‌شود؛ بنابراین بسیاری از افراد که شاغل، دانشجو یا دانش‌آموز هستند، در عمل امکان مشارکت مستمر در این فراخوان‌ها را ندارند. عامل دومی که باعث شده است بسیاری از افراد علاقه‌ای برای شرکت در این تجمعات نداشته باشند، نوع بیان مطالبات از سوی سران کمپین است که روی گرسنگی معلولان و خانواده‌های آنها دست گذاشته است. این نوع بیان مطالبات قطعاً در شأن معلولان کشور نیست. معلولانی که کمرشان در شرایط کنونی کشور و مشکلات عدیده اقتصادی در حال خرد شدن است، همواره سعی کرده‌اند صورت خود را با سیلی سرخ نگه دارند. اساساً این مسئله همواره جزء فرهنگ ایرانیان بوده است و اینکه به‌صراحت در شعارها مطرح شود که معلولان و

چرایی عدم شرکت معلولان در

تجمعات سراسری

امیر سرمدی: مدیرمسئول



بیش از یک سال است کمپین حمایت از حقوق معلولان اقدام به برگزاری تجمعاتی برای احیای حقوق افراد دارای معلولیت، به‌ویژه اجرای قانون حمایت از حقوق معلولان کرده است. به بهانه فراخوان‌های اخیر کمپین و نوع مواجهه گروه‌های مختلف دارای معلولیت و حاکمیت با این فراخوان‌ها، در این یادداشت به تبیین چرایی عدم حضور فراگیر گروه‌های مختلف افراد دارای معلولیت در این تجمعات، تأثیر مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در این میان و فواید فراخوان‌های این‌چنینی خواهیم پرداخت.

چرایی عدم مشارکت فراگیر معلولان در

تجمعات سراسری این‌قشر

کمپین حمایت از حقوق معلولان در ماه‌های اخیر اقدام به برگزاری تجمع در مقابل مجلس شورای اسلامی، سازمان بهزیستی کشور، سازمان برنامه و بودجه و نهاد ریاست جمهوری به منظور جلب نظر و توجه مسئولان نسبت به حق و حقوق افراد دارای معلولیت، به‌ویژه اجرای بی‌قید و شرط قانون حمایت از معلولان کرده است. این تجمعات با فراز و نشیب‌های فراوانی روبه‌رو بوده است. برخی اوقات و در برخی استان‌ها مشارکت گروه‌های مختلف افراد دارای معلولیت را به دنبال داشته

پشتیبانی و حمایت انجمن‌های ویژه معلولان از این فراخوان‌ها است. دلیل این موضوع نیز به نوع مرادۀ این انجمن‌ها با سازمان بهزیستی و سایر نهادهای حاکمیتی که از آن مجوز گرفته‌اند برمی‌گردد. چون بسیاری از انجمن‌ها به‌خاطر مواردی همچون اندک درآمدهای گاه‌وبیگاه و محل استقرار دفترشان، خود‌ام‌دار بهزیستی هستند، نمی‌توانند در مواقع این‌چنینی از خود‌کنشگری چندانی نشان دهند، به‌ویژه مدیران انجمن‌ها در شهرهای کوچک از این نظر بیشتر در مضیقه هستند. فلسفۀ تشکیل سازمان‌های مردم‌نهاد باید بر پیگیری و احیای حقوق جامعۀ هدف تمرکز داشته باشد و ماهیت وجودی آن بر این اصل استوار است، اما بسیاری از انجمن‌ها سعی می‌کنند ادامۀ حیات خود را مدنظر داشته باشند؛ تا اینکه با شرکت در فراخوان‌هایی از جنس کمپین، رابطه‌ی خود با بهزیستی یا سایر ارگان‌های دولتی را دچار خدشه کنند. کمپین نیز باید بدانند مادامی‌که فراخوان‌های خود را هماهنگ با انجمن‌های بزرگ در استان‌ها ترتیب ندهند و از حمایت‌های لجستیکی و نیروی انسانی این انجمن‌ها بهره‌نگیرند، نمی‌توانند جمعیت‌های هزاران نفری را سازمان‌دهی کند و در خوش‌بینانه‌ترین حالت، جمعیت تجمع‌کنندگان از مرز چندصد نفر فراتر نخواهد رفت. چون به گمان مدیران دولتی فعالیت‌های کمپین علاوه بر پیگیری‌های معیشتی جنبۀ سیاسی نیز پیدا کرده است، انجمن‌های معلولان سعی می‌کنند خود را از این فضا دور نگه دارند تا انگ شرکت در تجمعات سیاسی و غیرقانونی به آنها زده نشود. به‌طور کلی حالا که مجموعه‌ای مانند کمپین پا پیش گذاشته تا کاری برای احیای حقوق معلولان در سطح کشور انجام دهد و یکی از مؤثرترین راه‌ها در این میان را برگزاری تجمعات سراسری می‌داند، انجمن‌های افراد دارای معلولیت نیز باید با این مجموعه ارتباط بگیرند و این تجمعات را به سمت و سوی بهتری هدایت و به‌صورت هدفمندتری سازمان‌دهی کنند.

خانواده‌هایشان گرسنه هستند، علی‌رغم اینکه در اصل ماجرا تفاوتی ایجاد نمی‌کند، قطعاً برای بسیاری خوشایند نیست. از سویی دیگر، این واقعیت انکارناپذیر، یک هشدار برای مسئولان کشور محسوب می‌شود. افرادی که جز مستمری هفت‌صد هزار تومانی و یارانه دولت هیچ درآمد دیگری در ماه ندارند و این مبلغ تنها کفاف نهایتاً یک هفته زندگی آنها را می‌دهد، گزینه دیگری جز حضور در خیابان ندارند. مسئولان باید از روزی بترسند که میلیون‌ها نفر از افرادی که در سال‌های اخیر فرسنگ‌ها به زیر خط فقر سقوط کرده‌اند، گزینه دیگری جز حضور در تظاهرات خیابانی نداشته باشند. از سویی بسیاری از معلولان هستند که موقعیت اجتماعی خوبی دارند و به مشاغل مناسبی نیز رسیده‌اند و به‌تبع آن، درآمد بسیار بالایی نیز دارند؛ از این رو به اعتقاد نگارنده، کمپین باید بر همان اجرای مواد مختلف قانون حمایت تأکید و اجرای بی‌قید و شرط مواد مختلف قانون را از مسئولان طلب کند؛ به این ترتیب شاید بتواند بدنۀ جامعۀ معلولان و نخبگان آن را برای حضور در این تجمعات ترغیب کند. نایب‌نایان، از میان تمامی گروه‌های افراد دارای معلولیت، کمترین حضور را در این تجمعات دارند که درخصوص چرایی این عدم مشارکت، باید گفت تجربه سال‌های قبل نشان داده نایب‌نایان عمدتاً در برنامه‌ها و فراخوان‌هایی مشارکت و کنشگری بیشتری از خود نشان می‌دهند که سازمان‌دهندۀ آن برنامه از میان خود نایب‌نایان باشد؛ بنابراین چون بدنۀ مدیران کمپین از میان معلولان جسمی و حرکتی است، علی‌رغم آنکه منافع حضور پررنگ در این فراخوان‌ها، شامل تمام اقشار معلولان خواهد شد، نایب‌نایان در آن حضور چشمگیری ندارند و سمن‌های این قشر نیز از خود کنشگری چندانی نشان نمی‌دهند.

عدم مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در

تجمعات معلولان

یکی دیگر از عواملی که باعث شده جامعۀ معلولان در فراخوان‌های کمپین مشارکت نداشته باشد، عدم

فواید برگزاری تجمعات کمپین در شهرهای مختلف ایران

بسیاری اعتقاد دارند ادامه تجمعات کنونی هیچ دستاوردی برای افراد دارای معلولیت ندارد و حکومتی که معلولان را به مانند شهروندان درجه دوم و سوم نگاه می‌کند، هیچ‌گاه حاضر نخواهد شد حقوق آنها را تمام و کمال پرداخت کند؛ همان‌گونه که مسئولان سازمان برنامه و بودجه در پاسخ به مدیران کمپین مبنی بر اجرای کامل قانون حمایت از معلولان و اجرای ماده ۲۷ این قانون، به صراحت اعلام کرده‌اند پولی در بساط ندارند و در سال جاری و سال آینده، امکان اجرای این ماده قانونی را ندارند. برخلاف نظر این قشر، به اعتقاد نگارنده، کنشگری‌های کنونی، حتی اگر در اجرا دستاورد مشخصی به همراه نداشته باشد، می‌تواند در کوتاه‌مدت یا میان‌مدت حساسیت مسئولان در قبال معلولان را برانگیزد و چون مطالبات آنها پیرو قوانین موجود کشور است، مسئولان را مجبور می‌کند دست کم بخشی از مطالبات معلولان را عملیاتی کنند؛ در واقع تداوم اعتراض‌های موجود و حق‌طلبی معلولان برای احیای حقوق خود قطعاً اثرات مثبت بیشتری را برای این جامعه می‌تواند به دنبال داشته باشد. تظاهرات پراکنده کنونی، به مانند سنگر تدافعی عمل می‌کند که تداوم آن، حتی در سطح محدود می‌تواند معلولان را در قبال اجرای قوانین حداقلی بیمه کند. چنانچه همین سنگر و مطالبه‌گری معلولان به‌طور کلی از بین برود، مسئولان با فراغ‌بال معلولان را کنار می‌گذارند و حق و حقوق آنان را در قوانین بودجه سالانه کشور، به کلی نادیده خواهند گرفت؛ بنابراین اگر مدیران کمپین به دنبال اثربخشی بیشتری از برگزاری تجمعات اعتراضی کنونی هستند، باید با برنامه‌ریزی دقیق‌تر، مشارکت تمامی گروه‌های معلولیتی، نخبگان آنها و سازمان‌های مردم‌نهاد این قشر را نیز همراه خود کنند تا با برگزاری تجمعات بزرگ‌تر و راهپیمایی‌های ده‌ها هزار نفری بتوانند حقوق شهروندی خود را با قدرت بیشتری از مسئولان مطالبه کنند.

گزارش عملکرد انجمن نابینایان ایران (بهمن ۱۴۰۲)

منصور شادکام: قائم‌مقام انجمن نابینایان ایران

مخاطبان محترم، در ادامه، گزارشی از اقدام انجمن نابینایان ایران در بهمن‌ماه را ملاحظه می‌فرمایید. شما می‌توانید مشروح این گزارش را با صدای مهندس منصور شادکام، قائم‌مقام انجمن نابینایان ایران، ذیل همین مطلب در وبگاه و کانال‌های ماهنامه نسل‌مانا در شبکه‌های اجتماعی دریافت کنید و بشنوید.

ضمن عرض سلام و ادب و احترام حضور شما مخاطبان ارجمند ماهنامه نسل‌مانا! حلول ماه شعبان و اعیاد شعبانیه را تبریک می‌گویم و آرزوی قبولی طاعات و عبادات شما عزیزان را از درگاه ایزد منان دارم.

ضمن قدردانی از زحمات مدیرمسئول و سردبیر و اعضای تحریریه ماهنامه، از حامیان گرامی که موجب استمرار انتشار مجله هستند، سپاس‌گزاری می‌کنم.

مانند همیشه در قالب این مطلب، گزارشی از عملکرد انجمن در بهمن‌ماه را حضورتان تقدیم می‌کنم.

همان‌گونه که مستحضر هستید، سفری برنامه‌ریزی

کردیم و طی آن پنجاه نفر از افراد نابینا و کم‌بینا را که تاکنون به کربلا و نجف سفر نکرده بودند، به این شهرها اعزام کردیم. این سفر به‌صورت هوایی انجام شد و



زائران سه روز در کربلا و سه روز در نجف اقامت داشتند

ایران قرار داد، ولی متأسفانه این مکان بسیار نامناسب است و از امکانات حداقلی نیز برخوردار نیست. از مسئولان سازمان بهزیستی تقاضا دارم برای یکبار هم که شده از این مکان بازدید کنند و شرایط بد آن را ببینند. آیا خودشان حاضر هستند حتی برای یک‌شب در این مکان اقامت کنند؟ متأسفانه علی‌رغم پیگیری‌ها و مکاتبه‌های فراوان، سازمان بهزیستی در زمان مدیریت کنونی، علی‌رغم شعار دولت مبتنی بر حمایت از مستضعفان، هیچ اقدامی برای همکاری با انجمن‌ها در راستای انجام امور مربوط به معلولان انجام نمی‌دهد.

از دیگر اقدام انجمن نایبانیان ایران در بهمن‌ماه، مذاکره با بیمه نوین بود. این مذاکرات، همچنان در حال پیگیری است و قرار است که ان‌شاءالله پس از فراهم شدن زمینه‌های لازم و انجام امور حوزه دسترس‌پذیری، دوستان نایبانی واجد شرایط را برای اشتغال به این نهاد معرفی کنیم.

طبق روال گذشته، جلسه‌هایی با سازمان‌های گوناگون داشتیم، ولی چون هنوز به نتایج مهمی نرسیده‌اند؛ دستاوردهای آنها بعداً اعلام خواهد شد.

از دیگر برنامه‌های مهم انجمن، برنامه‌ریزی و تدارک سفر تعداد شصت نفر از افراد نابینا و کم‌بینا به مشهد مقدس در تاریخ هشتم تا دوازدهم اسفندماه است. ان‌شاءالله این سفر هم سفر پربراری باشد و بتوانیم رضایت دوستان را جلب کنیم؛ به‌رحال فعالیت‌های فرهنگی از مهم‌ترین فعالیت‌های انجمن نایبانیان ایران است که سعی می‌کنیم برنامه‌ها را به بهترین شکل اجرا کنیم.

با آرزوی اجرای برنامه‌های بهتر در ماه‌های آینده!



و با توافق دوستان نابینا و خیران برگزارکننده، کاروان به شهرهای سامرا و کاظمین فرستاده نشد. این مسافرت از نظر کیفیت ایاب و ذهاب، اقامت و پذیرایی از کیفیت مطلوبی برخوردار بود و دوستان نابینا از کیفیت این سفر معنوی، رضایت کامل داشتند. شرکت‌کنندگان در این سفر معنوی از نه استان کشور (چهار نفر از خراسان رضوی، چهار نفر از خراسان جنوبی، شش نفر از گلستان، شش نفر از کرمان، چهار نفر از کرمانشاه، چهار نفر از لرستان، چهار نفر از اصفهان، چهار نفر از هرمزگان، چهار نفر از بوشهر و بقیه از استان تهران) بودند و در مجموع با احتساب همراهانی که برای دوستان نابینا در نظر گرفته بودیم؛ ۵۶ نفر در این سفر معنوی همراه ما بودند. هزینه این سفر به میزان چهارده میلیون تومان برای هر نفر، به‌طور کامل توسط افراد نیکوکار پرداخت شد.

جا دارد در اینجا از سازمان بهزیستی کشور به‌عنوان متولی امور افراد دارای معلولیت گلایه کنم. ما از سازمان بهزیستی دو خواسته داشتیم؛ خواسته اول ما، پرداخت هزینه ایاب و ذهاب دوستانی بود که خود را از شهرستان‌ها به تهران رسانده بودند و دومین خواسته ما، اسکان زائران در تهران در شب قبل از سفر بود که متأسفانه سازمان بهزیستی با قرار دادن پیچ و خم‌های اداری معمول بر سر راه انجمن، از همکاری در تدارک این سفر زیارتی خودداری کرد و انجمن با هماهنگی هیئت ورزش‌های نایبانیان استان تهران، زائرین را در مجموعه شهید هرندی اسکان داد و هزینه‌ها را نیز پرداخت. در شرایطی که فردی نیکوکار با پرداخت حدود ۷۵۰ میلیون تومان، امکان این سفر معنوی را فراهم کرده بود؛ سازمان بهزیستی از بر عهده گرفتن نقشی حداقلی نیز خودداری کرد.

سازمان بهزیستی کشور، اقامتگاهی را در محله «ناصرخسرو»ی تهران به‌منظور اسکان مددجویانی که از شهرستان‌ها برای امور درمانی به تهران مراجعه می‌کنند در نظر گرفته است که با منت بسیار، این مکان را برای یک‌شب اسکان زائران در اختیار انجمن نایبانیان

نسل‌مانا

تغییر داده، در جدیدترین اپیزود از پادکستش فناوری جالبی را معرفی کرده که به کمک یک فناوری نو، می‌تواند در مسیریابی نابینایان تحولی شگرف به وجود بیاورد. «فیلسپیس»^۳ نام یک کمپانی آلمانی است که از ۲۰۰۵م مشغول کار روی ابزارهای جانبی مسیریابی است؛ ابزارهایی که در ابتدا قرار نبوده برای نابینایان طراحی شوند، اما بعدها که بیشتر توسعه پیدا کردند مشخص شده که می‌توانند برای نابینایان هم مفید واقع شوند. در این اپیزود، یکی از طراحان به‌همراه یکی از مشتریان نابینا حضور داشتند و این ابزار تازه را از جنبه‌های گوناگون واکاوی کردند.

«نویبِلت»^۴ به‌صورت ابزاری پوشیدنی طراحی شده است؛ ابزاری که دور سینه کاربر بسته می‌شود و می‌تواند با استفاده از پیغام‌های لرزشی، اطلاعات مربوط به مسیر را به فرد نابینا منتقل کند. این پیغام‌ها با استفاده از شانزده گونه لرزش به اطلاع فرد می‌رسد. با توجه به اینکه کاربر، نویبِلت را مثل یک لباس بر تن می‌کند، این امکان فراهم است تا پیغام‌های لرزشی از چهار جهت چپ، راست، جلو و عقب به اطلاع فرد برسد.

نویبِلت صرفاً یک ابزار مسیریابی است و کمکی به تشخیص موانع نمی‌کند. برای این ابزار راهنما، دو حالت طراحی شده؛ یکی حالت قطب‌نما است که در این حالت فرد در هر لحظه می‌تواند جهت شمال را شناسایی کند؛ به این ترتیب که ویرره، از جهتی بر بدن فرد منتقل می‌شود که شمال هم همان طرف است. حالت دوم، وقتی است که فرد در نرم‌افزار نویبِلت، مبدأ و مقصدش را مشخص می‌کند و می‌خواهد از این ابزار پوشیدنی برای مسیریابی استفاده کند، نویبِلت به نرم‌افزارش در گوشی متصل می‌شود و در طول مسیر، هر جا که لازم باشد فرد به چپ یا راست بپیچد، به‌وسیله همان شانزده نوع پیغام لرزشی آن را به فرد اطلاع می‌دهد.

پیشخوان: مروری بر پادکست‌ها و

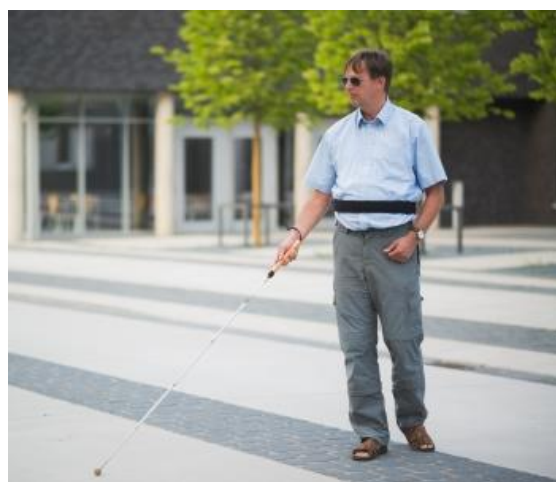
نشریات انگلیسی‌زبان ویژه افراد با

آسیب بینایی

امید هاشمی: سردبیر

این بار پیشخوان را با معرفی ابزاری تازه برای مسیریابی نابینایان آغاز خواهیم کرد. همچنین خبری را هم درباره یک ضبط‌کننده صدا با شما در میان خواهیم گذاشت و یک فعال کهنه‌کار در حوزه دیجیتال را که به نابینایان خدماتی ارائه داده است معرفی خواهیم کرد و در آخر هم مخاطبان پیشخوان را با ورزشی نوظهور برای نابینایان آشنا خواهیم کرد.

ابزار تازه برای مسیریابی نابینایان



یکی از قدیمی‌ترین و شناخته‌شده‌ترین صداهایی که سال‌های درازی است به خاطر جمع‌ی و حافظه شنیداری نابینایان دنیا بدل شده، صدای «جانانان موزن»^۱ است؛ کسی که از رادیوهای محلی و ملی تا فرستنده‌های شخصی و پادکست‌های اینترنتی، همه را تجربه کرده و در حرفه خود، یعنی ساخت برنامه‌های رادیویی، متخصصی چیره‌دست به‌شمار می‌رود. او که مدتی است نام پادکستش را به «لیوینگ بلایندفولی»^۲

³ Feelspace

⁴ Navibelt

¹ Jonathan Mosen

² Living Blindfully

سفری به درازای بیست سال

مهمان آخرین اپیزود از پادکست «افاس کست»، بهانه را به دست ما علاقه‌مندان به نوستالژی زد تا کمی بتوانیم برای خودمان خاطره‌بازی و خاطره‌بافی کنیم. در بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰، درست مثل همین حالا که رقابتی بر سر دو صفحه‌خوان محبوب ویندوز وجود دارد و هر یک می‌خواهند سهم دیگری را تصاحب کنند، آن روزها هم چنین رقابتی وجود داشت. یک پای ماجرا همچنان جاز بود و سمت دیگر به جای ان‌وی‌دی‌ای، نام «ویندو آیز»^۲ شنیده می‌شد؛ صفحه‌خوانی که ما ایرانی‌ها کمتر به آن دسترسی داشتیم؛ چون که نسخه‌های قفل‌شکسته‌اش کمتر به دستمان می‌رسید و امکان افزودن موتور صوتی فارسی به آن هم فراهم نبود، اما همیشه در محافل تخصصی بحث بر سر کیفیت این دو صفحه‌خوان به راه بود.

در آخرین شماره از افاس کست، «داگ جافری»^۳ مدیر و طراح ویندوز آیز، به پرسش‌های مجری پاسخ می‌داد. او که خود بینا است، در این گفتگوی مفصل، به چگونگی ورودش به دنیای نابینایان و شکل‌گیری ایده ویندوز آیز و شیوه تبلیغ‌اتش و چرایی توقف توسعه این صفحه‌خوان می‌پردازد.

اولین مواجهه داگ با رایانه به سال ۱۹۷۸ بازمی‌گردد؛ روزی که با پدرش به نمایشگاهی محلی رفته بوده و آنجا یکی از نسخه‌های اولیه رایانه‌های اپل را مشاهده می‌کند. می‌گوید: «روی صفحه کامپیوتر، اشکال و گرافیک‌هایی در حال نمایش بود. با خود تصور کردم که من یک روز باید یکی مثل این دستگاه داشته باشم. قیمت آن دستگاه آن روزها بیش از هزار دلار بود. بالاخره توانستم حدود یک سال بعد، یکی برای خودم بخرم». داگ دو سه سالی را به آشنایی با رایانه و علوم مربوط با آن می‌گذراند؛ تا اینکه در سال ۱۹۸۲ در یکی از فروشگاه‌های محلی شغل مرتبط با رایانه برایش پیدا

مزیت اصلی نویبت این است که در مقایسه با نرم‌افزارهای مسیریاب، این سخت‌افزار دیگر نیازی به درگیر کردن گوش فرد نابینا ندارد و به این ترتیب خطری او را تهدید نمی‌کند. همچنین کاربران دیگر نیازی به نگه داشتن گوشی در دستشان ندارند و می‌توانند آن را در جیب یا کیفشان بگذارند؛ به‌علاوه افراد ناشنوا نابینا هم به‌سادگی می‌توانند از این ابزار برای مسیریابی در مکان‌های شلوغ استفاده کنند. دیگر امتیاز نویبت این است که می‌تواند به کمک ویریه ممتد که از محدوده ناف حس می‌شود به کاربر اطلاع بدهد که آیا مسیر مستقیم را طی می‌کند یا اینکه از مسیر خارج شده است. این امکان زمانی کارایی دارد که فرد مشغول عبور از عرض خیابان است و خروج از مسیر مستقیم ممکن است باعث ایجاد خطرات جانی برای او شود.

برای نابینایان آلمانی، اگر بتوانند از پزشکشان یک گواهی دال بر اینکه این ابزار کمکی زندگی‌شان را تسهیل می‌کند بیاورند، بیمه آن را رایگان در اختیارشان خواهد گذاشت، اما سایر نابینایان باید آن را به قیمت ۲۸۰۰ یورو بخرند. پیش از خرید دستگاه، علاقه‌مندان می‌توانند با شرکت تماس بگیرند و آن را به مدت سه روز به امانت در اختیار داشته باشند. در طول این سه روز هم یک مشاور به‌صورت تلفنی در کنارشان خواهد بود تا چم و خم استفاده از دستگاه را به آنها بیاموزد. در نسخه صوتی پیشخوان، درباره تجربه برخی نابینایان از استفاده از نویبت صحبت خواهیم کرد. همچنین اگر شنونده ما باشید، از یک اتفاق جالب هم به کمک جاناناتان موزن پرده خواهیم داشت و آن هم چیزی نیست، مگر عرضه یک دستگاه ضبط صدای کاملاً حرفه‌ای و دسترسی‌پذیر. همین‌طور به بهانه پرداختن به پادکست جاناناتان موزن، بد ندیدیم قدری درباره زندگی پر ثمر و سودبخش او هم با مخاطبانمان گفتگو کنیم.

³ Doug Geoffray

¹ FSCast

² Window eyes

همچنان مرتبط با نابینایان است و داگ همچنان ما را وام‌دار خدمات خودش نگه داشته است.

قایقرانی نابینایان طرحی تازه از سرزمین دریاچه‌ها ایالت مینسوتای آمریکا را «سرزمین ده‌هزار دریاچه» می‌خوانند، البته تعداد دریاچه‌های این ایالت حدود دوهزارتا بیشتر است، اما به این نام معروف شده است، پس بی‌راه نیست اگر بشنویم قایقرانی نابینایان برای نخستین بار در این ایالت بنا نهاده شده است؛ ورزشی که برایش قوانین دقیقی پیش‌بینی شده است و بنیان‌گذارانش به دنبال اضافه کردنش به فهرست ورزش‌های پارالمپیک هستند. در قایقرانی نابینایان، مثل سایر ورزش‌ها، کلاس‌بندی صورت می‌گیرد و ورزشکاران بر اساس میزان بینایی‌شان باهم رقابت می‌کنند. همچنین هر تیم باید متشکل از دو ورزشکار بینا و دو نفر نابینا باشد. یکی از بیناها کار مدیریت تاکتیکی و اعلام مسیر و نقشه‌خوانی را انجام می‌دهد و دیگری هم در کارهای مربوط به قایق به نابینایان کمک می‌کند. شرط لازم برای حضور هر تیم در مسابقه این است که سکان‌دار حتماً نابینا باشد.

در قایقرانی نابینایان تابه‌حال یک دوره مسابقات بین‌المللی برگزار شده است. اگر شنوندهٔ پیشخوان باشید دربارهٔ این ورزش به‌تفصیل برایتان خواهیم گفت و چند و چون شکل‌گیری آن را واکاوی خواهیم کرد. نسخهٔ صوتی پیشخوان را از وبگاه نسل مانا و شبکه‌های اجتماعی ما دریافت کنید.



می‌شود. آشنایی او با نیازهای نابینایان هم آنجا ایجاد می‌شود.

او دربارهٔ نخستین برخوردش با نابینایان می‌گوید: «روزی در آن فروشگاه محلی نابینایی به من مراجعه کرد تا برای نرم‌افزاری که نوشته بود قفلی طراحی کنم تا او بتواند با خیال راحت آن را بفروشد. این نرم‌افزار، داکيومنتس نام داشت که به کاربران امکان می‌داد با استفاده از خروجی صوتی، متن بنویسند. آنجا بود که من با دنیای نابینایان و توانمندی‌ها و نیازهایشان آشنا شدم».

داگ پس از این آشنایی به مدت هفت سال با این فرد نابینا همکاری کرد و در طول این هفت سال، ایده‌های مختلفی را در زمینهٔ صوتی کردن کامپیوتر، باهم به سرانجام رساندند که در نسخهٔ صوتی پیشخوان به‌تفصیل درباره‌شان صحبت شده است. بیل، دوست نابینای داگ، در ۱۹۸۹ تصمیم گرفت به کسب و کارش پایان دهد؛ بنابراین داگ باید ادامهٔ مسیر را به‌تنهایی می‌پیمود. او بیش از یک‌سال را به طراحی صفحه‌خوانی به نام «ووکال‌آیز»^۱ پرداخت و در این مسیر با یک متخصص سخت‌افزار هم مرتبط شد تا بخش سخت‌افزاری را پیش ببرد. حاصل این ارتباط، صفحه‌خوان محبوب ووکال‌آیز بود که آن روزها به نابینایان امکان می‌داد بتوانند از سیستم‌عامل داس استفاده کنند.

با ورود ویندوز به عرصهٔ رقابت سیستم‌عامل‌ها بازی عوض شد و آنها ناچار به تغییر سیاست‌هایشان شدند. فعالیت این گروه دونفره تا سال ۲۰۱۰ ادامه داشت و در آن سال آنها تصمیم به فروش مجموعهٔ تجاری خودشان با نام «جی دبلو مایکرو»^۲ گرفتند؛ ماجرای که خود حکایتی شنیدنی دارد. شرح این ماجرا را به نسخهٔ صوتی پیشخوان واگذار می‌کنیم. شما همچنین می‌توانید دربارهٔ شغل فعلی داگ هم در نسخهٔ صوتی بشنوید؛ شغلی که

² GW-Micro

¹ Vocal-eyes

دست در دست هم معجزه می‌آفرینیم زهرا همت: روان‌شناس و آموزگار آموزش و پرورش استثنایی شهر تهران



افراد دارای معلولیت تمایلی برای مشارکت در جلسه‌ها نداشتند و از شرکت در آن خودداری کردند. بالاخره با پیگیری‌های فراوان، این جلسه‌ها با تعداد اندکی از مددجویان شهر برگزار شد و با اینکه کوچک و کم‌رنگ بود، نتایج ارزشمندی به همراه داشت. بسیاری از مشارکت‌کنندگان در این جلسه‌ها، هیچ اطلاعات صحیح و دقیقی از آسیب‌بینایی و شیوع آن و مهارت‌های مورد نیاز فرد با آسیب‌بینایی نداشتند و ابراز داشتند که در این جلسه‌ها، چیزهای مفیدی یاد گرفتند.

برگزارکنندگان این سلسله برنامه‌ها می‌گفتند که نتایج مثبتی فراتر از آنچه در ذهن داشتند، از این جلسه‌های گروهی گرفته‌اند و این موجب ایجاد انگیزه قوی‌تر برای تدارک برنامه‌هایی از این دست در ایشان شده است. نکته جالب توجه از نظر این کارشناسان، نقش پررنگ خود افراد با آسیب‌بینایی در ارائه مطالب این سلسله جلسات بوده است.

هنگامی که از آموزش و توان‌بخشی صحبت می‌شود، بیشتر ما به یاد کلاس‌های رسمی و استاد و معلم و ابزار و وسایل پیچیده می‌افتیم، اما آیا آموزش و توان‌بخشی فقط در آموزش رسمی خلاصه می‌شود؟ آیا همیشه باید از معلم متخصص یاد بگیریم؟ آیا برای یادگیری مهارت‌های مورد نیازمان باید به مدرسه و مراکز تخصصی توان‌بخشی و درمانگاه‌های خصوصی مراجعه کنیم؟ آیا راهی برای استفاده از تجربه‌های هموعانمان پیش روی ما باز نیست؟ همان‌گونه که افرادی که دچار آسیب‌بینایی نیستند، بیشتر مهارت‌های روزمره زندگی را تنها با مشاهده دیگران و الگوبرداری یاد می‌گیرند، آیا افراد با آسیب‌بینایی نیز می‌توانند با ارتباط با یکدیگر و به اشتراک گذاشتن تجربیاتشان باهم از هم بیاموزند؟ درست مانند پدیده گروه‌درمانی که نتایج شگفت‌انگیزی داشته است؛ به این صورت که افراد دور هم جمع می‌شوند و به رهبری یک روان‌شناس متخصص، مسائل و مشکلاتشان را مطرح می‌کنند و با بهره‌گیری از تجربه‌های اعضای گروه به راهکارهایی برای بهبود

دختر جوان می‌گفت آن قدر خوشحال است که در پوست خود نمی‌گنجد. می‌گفت هیچ فکر نمی‌کرده آدم‌های بی‌شماری مثل او در شهرش باشند. در شهرشان مدرسه استثنایی وجود نداشته و او از ابتدا در کنار سایر همسالانش در مدرسه عادی درس خوانده است و در هیچ جای دیگری هم فرد نابینایی ندیده است. همیشه تصور می‌کرده تنها دختر نابینای این شهر است. هیچ فکرش را هم نمی‌کرده چندین نابینای دیگر در شهرش و در همین نزدیکی‌ها زندگی کنند و این تصور، بیش از هر چیز دیگری حتی بیشتر از خود نابینایی آزارش می‌داده. دختر جوان این حرف‌ها را در حاشیه جلسه‌های آموزشی که توسط بهزیستی شهرشان برگزار شد می‌گفت. او می‌گفت بیست‌ساله است و این اولین باری است که به چنین برنامه‌ای دعوت می‌شود.

چند وقت پیش در یکی از شهرستان‌های کوچک اطراف تهران که متأسفانه امکان ذکر نام آن را نداریم، جلسه‌هایی برای آشنایی افراد دارای معلولیت، از جمله افراد با آسیب‌بینایی با یکدیگر و آموزش برخی مهارت‌های روزمره زندگی برگزار شد. برگزارکنندگان این سلسله جلسات، به‌سختی توانسته بودند تعدادی از افراد دارای معلولیت را دور هم جمع کنند؛ چراکه بیشتر

تجربه‌اندوزی در حوزه مهارت‌های روزمره زندگی مواجه هستیم که شاید کمتر به آنها پرداخته شده باشد؛ برای مثال احتمالاً کمتر کسی پیدا می‌شود که شجاعت این را داشته باشد که در مورد مشکلات و مسائلی که هنگام غذا خوردن با آنها مواجه می‌شود صحبت کند؛ چراکه فردی که با این چالش مواجه است تصور می‌کند که این تنها مسئله اوست و ممکن است با مطرح کردنش دچار شرم شود یا حتی مورد تمسخر سایرین قرار گیرد یا خانم‌های نابینا احتمالاً نمی‌توانند به راحتی در مورد مسائل بهداشتی یا موارد مربوط به آراستگی و زیبایی با کسی صحبت کنند و چالش‌های خود در این زمینه را مطرح کنند. آنها معمولاً مسائل را با افراد صمیمی و مورد اعتمادشان که در بیشتر موارد، دچار آسیب بینایی نیستند، در میان می‌گذارند و این افراد نیز به دلیل عدم درک متقابل، قادر به کمک یا راهنمایی صحیح و مؤثری نخواهند بود، اما اگر افراد بتوانند همین مسائل را با هم‌نوعان دارای آسیب بینایی‌شان در میان بگذارند؛ ممکن است به دلیل داشتن تجربه‌های مشابه، اطلاعات خوبی به دست بیاورند.

مثال‌های بالا، تنها چند نمونه کوچک از مواردی بود که افراد می‌توانند با یکدیگر در میان بگذارند و از تجربه‌های یکدیگر بهره‌مند شوند، اما خوب است بیندیشیم که قطعاً تشکیل گروه‌هایی که بتوانند به صورت حضوری و مرتب با یکدیگر دیدار داشته باشند و در صورت لزوم به یکدیگر آموزش عملی بدهند، می‌تواند بسیار راهگشا و ارزشمند باشد. در درجه اول از نهادهای متولی آموزش و توان‌بخشی افراد با آسیب بینایی انتظار می‌رود به ظرفیت تشکیل گروه‌هایی از خود افراد با آسیب بینایی برای آموزش این گروه توجه داشته باشند و همچنین از خود افراد با آسیب بینایی انتظار می‌رود اندکی دغدغه آموزش و توان‌بخشی هم‌نوعانشان را داشته باشند و با تشکیل گروه‌ها و برگزاری جلسه‌های گروهی، ترجیحاً به صورت حضوری گام مؤثری برای آموزش و تجربه‌اندوزی افراد با آسیب بینایی بردارند.

حالشان دست می‌یابند؛ افراد با آسیب بینایی نیز می‌توانند به رهبری متخصصین حوزه آموزش و توان‌بخشی، گروه‌هایی برای اشتراک‌گذاری تجارب و آموختن از یکدیگر تشکیل دهند.

خوشبختانه امروزه با وجود امکان استفاده از ظرفیت‌های فضای مجازی، افراد به راحتی می‌توانند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و با تشکیل گروه‌هایی دور هم جمع شوند؛ هرچند می‌دانیم که این گروه‌هایی‌ها همیشه با مشکلات و حاشیه‌هایی همراه بوده‌اند، ولی مشخص است که این ارتباطات می‌توانند دستاوردهای ارزشمندی نیز داشته باشند. شاید برخی تصور کنند که اصلاً نیازی به چنین گروه‌هایی نیست و هرکس می‌تواند اطلاعات مورد نیازش را از راه دلخواه خودش کسب کند، اما مسئله به همین سادگی‌ها هم نیست و حتی در شهرهای بزرگ که کانون‌هایی برای گرد هم آمدن افراد با آسیب بینایی وجود دارد و ظاهراً ارتباطات و رفاقت‌هایی هم شکل گرفته است؛ موقعیت مناسبی برای صحبت کردن و راهنمایی خواستن از هم‌نوعان و سایر افراد آگاه فراهم نمی‌شود؛ چراکه برون‌ریزی و درخواست هم‌فکری و راهنمایی نیاز به مقدماتی دارد که به سادگی و بدون هدف‌گذاری و رهبری و راهنمایی افراد متخصص فراهم نمی‌شود.

در چنین شرایطی از اعضای باتجربه و فرهیختگان جامعه افراد با آسیب بینایی انتظار می‌رود حال که مسئولان نهادهای متولی دغدغه آموزش و کسب تجربه این اشخاص را ندارند؛ خود دست به کار تشکیل گروه‌هایی در برای اشتراک‌گذاری اطلاعات و تجربیات شوند و امکان ملاقات حضوری و منظم افراد را به منظور اشتراک‌گذاری تجربه‌ها فراهم آورند.

نکته حائز اهمیت این است که در حال حاضر، بیشتر گروه‌ها با محوریت اشتراک‌گذاری اطلاعات حوزه تحصیلی و فناوری و... تشکیل شده‌اند، اما باید توجه داشت که هنوز با نیازهای فراوانی در خصوص

راحتی و امنیت بیشتری می‌تواند به نایبنا کمک کند تا خرید رضایت‌بخشی داشته باشد.

حمیدرضا یکی‌دو تجربه ناموفق در خرید میوه داشته است که سبب شده او دیگر نخواهد میوه بخرد، چون یک‌بار موز نارس و یک‌بار هم یک سبد توت‌فرنگی خریده که ردیف‌های پایینی آن سالم نبوده است؛ اتفاق‌هایی که برای هرکسی ممکن است رخ بدهد.

او از تجربه‌اش در مورد ایستادن در صف نانوایی می‌گوید که بیشتر وقت‌ها مادرش در خانه نان می‌پزد و کم‌پیش آمده که برای خرید نان در صف بماند. یکی از مشکلاتی که ممکن است پیش بیاید این است که افراد در چند صف می‌مانند. چند باری که برای خرید نان‌های بربری و سنگک در صف ایستاده، افراد حاضر حواسشان به او بوده است. ضمن اینکه استفاده از مقدار باقی‌مانده بینایی هم به او کمک کرده است.

او در مورد خرید خدمات به مکان‌هایی مانند ورزشگاه و آرایشگاه اشاره می‌کند؛ اینکه برای دریافت خدمات ورزشی که در حوزه نایبنايان ارائه می‌شود، پس از هماهنگی با هیئت ورزش‌های نایبنايان و کم‌بینايان استان در آن رشته‌های ورزشی فعالیت کرده است مانند گل‌بال، جودو، شطرنج و... همچنین برای ثبت‌نام در رشته بدن‌سازی به باشگاهی نزدیک خانه‌شان مراجعه کرده که زیرمجموعه هیئت نایبنايان نبوده است. او در مورد محدودیت بینایی‌اش توضیح داده است و خوشبختانه مسئولان باشگاه او را پذیرفته‌اند و شخصی که در سالن حاضر است، مراقب است تا او با موانع و دستگاه‌ها برخورد نکند.

آرایشگاه یکی از مهم‌ترین مکان‌هایی است که او بعد از هر بار تغییر محل سکونت آن را جستجو می‌کند. اگر چگونگی برخورد و شیوه ارائه خدمات توسط آرایشگر او را راضی کند، بازهم به همان آرایشگاه می‌رود؛ اگر نه، دنبال آرایشگاه دیگری می‌گردد، حتی اگر کمی دورتر باشد.

تعامل در خرید (بخش نخست)

فاطمه جوادیان: کارشناس نایبنايان آموزش و پرورش استثنایی گیلان

همراهان عزیز! با نزدیک شدن به فصل بهار بسیاری از ما هم دلمان می‌خواهد همچون طبیعت جامه نو بر تن کنیم یا اینکه دستی به سر و روی خودمان و محل زندگی‌مان بکشیم. چرا راه دور برویم؟! می‌خواهیم روزانه آب و غذایی به خانه بیاوریم تا شاداب و تندرست بمانیم.

برای انجام تمام این امور باید به مهارت خرید کردن مجهز باشیم؛ اینکه چگونه هنگام خرید کردن با فروشندگان و سایر اطرافیان تعامل کنیم تا خریدی موفق داشته باشیم. درباره این موضوع با چهار تن از دوستان ماه‌نامه نسل مانا به گفتگو نشستیم؛ حمیدرضا، الهام، پروانه و سهیلا. از آنها درباره چگونگی خریدکردنشان پرسیدیم؛ از خریده‌های روزمره گرفته تا خرید کفش و لباس و لوازم‌خانگی و...از اینکه معمولاً پرداخت‌ها را چطور انجام می‌دهند، از چه روش‌هایی برای خرید کردن استفاده می‌کنند، به‌تنهایی خرید می‌کنند یا به کمک یک همراه، خریده‌هایشان را به‌صورت برخط انجام می‌دهند یا تلفنی یا حضوری. آنها هم با صبر و حوصله تجربه‌هایشان را در اختیار نشریه نسل مانا قرار دادند که به دلیل حجم بالای مطالب، متن «تعامل در خرید» در دو قسمت تقدیم شما مخاطبان عزیز و همراهان همیشگی می‌شود.

حمیدرضا شاغل و کم‌بیناست. او به‌عنوان فرزند خانواده مسئولیت‌چندانی برای خریده‌های روزمره بر عهده ندارد. با خریده‌های برخط هم میانه چندانی ندارد، اما در بیشتر موارد قادر است به‌تنهایی خرید کند. گاهی هم لازم می‌بیند که برای خرید بعضی اقلام مانند لباس کسی را به‌عنوان همراه با خود ببرد؛ چراکه برای بررسی رنگ و تناسب لباس نیاز است فردی مطمئن و بینا حضور داشته باشد. او معتقد است که اگر فروشنده و همچنین همراه، خوش‌سلیقه و باحوصله باشند، فرد همراه، با احساس

الهام با توجه به دانسته‌ها و تجربه‌های قبلی خود متوجه می‌شود که حالا فصل چه میوه‌ای است، البته او زمان خرید برخط و همچنین از طریق پرسش از دیگران، بیشتر مطمئن می‌شود که در حال حاضر چه میوه‌هایی را می‌تواند سفارش دهد.

او مانند سایر اعضای خانواده در خریدهای روزمره خانه سهیم است و البته نقشی مؤثر دارد. این خانواده بعضی موارد را به صورت روزانه و بعضی را هر چند وقت یکبار می‌خرند. او برای خرید انواع لوازم خانگی یا شخصی مانند یخچال، لباس شویی، سشوار، اتو، موبایل، کفش و لباس، پیش از هر کاری، میزان نیاز به آن قلم جنس را بررسی می‌کند و همچنین میزان بودجه‌ای که می‌بایست برای خرید آن شیء صرف شود. او در این مسیر روی تجربه‌های قبلی خود، مشورت و همراهی اعضای خانواده و نیز کسب اطلاعات از منابع برخط حساب می‌کند.

الهام زمان پرداخت وجه، از پول نقد استفاده نمی‌کند. او ترجیح می‌دهد، بسته به شرایط، از کارت‌خوان، روش کارت به کارت و واریز برخط استفاده کند، چون در این روش‌ها دسترسی و راحتی بیشتری وجود دارد.

او در مناسبت‌هایی مانند نوروز و شب یلدا با همراهی و مشورت اعضای خانواده تصمیم می‌گیرد و باهم خریدها را انجام می‌دهند.

در مجموع زندگی افراد نابینا به دلیل پیچیدگی در رفت‌وآمد و همچنین ضرورت حضور فرد همراه در بسیاری موارد، پرهزینه‌تر از سایرین است. گاهی وقت‌ها برخورد با برخی موانع، هزینه ناخواسته‌ای را بر فرد نابینا تحمیل می‌کند.

امید به اینکه قدرت خرید برای تمام مردم جامعه، به‌ویژه افراد دارای معلولیت افزایش یابد. روزهایتان پر از شوق زندگی!

به سراغ الهام می‌رویم. او نابیناست، اما همسر و فرزندانش بینا هستند. الهام نقش خود را در خانواده این‌طور بیان می‌کند: فرزند! چراکه نزدیک پدر و مادرش زندگی می‌کند و مشغول مراقبت از پدر بیمارش است؛ همسر و مادر!

الهام به انواع روش‌های خرید مسلط است و بسته به شرایط، به‌تنهایی، با همراه، تلفنی یا برخط خریدهایش را انجام می‌دهد. او از سوپرمارکت و میوه‌فروشی محله به‌تنهایی خرید می‌کند و لبنیات و مرغ را از فروشگاه‌هایی که می‌شناسد، به صورت تلفنی سفارش می‌دهد، البته برای دریافت محصول، خودش پیک می‌فرستد. نان سنگک را به صورت برخط از طریق برنامه‌های دسترس‌پذیر سفارش می‌دهد. مسئولیت خرید نان تافتون هم با شخص دیگری است؛ بنابراین او هیچ‌وقت در صف نانوایی نمی‌ماند. ناگفته نماند که اگر به برنامه‌ای دسترسی لازم را نداشته باشد، حتماً به سراغ نسخه وب همان برنامه می‌رود تا به کمک کامپیوتر راحت‌تر به آیت‌های مدنظرش دست یابد. برای خرید پوشاک و کیف و کفش، حتماً کسی را با خود به همراه می‌برد.

زمان خرید اگر فروشنده محلی یا آشنا باشد، به او اعتماد می‌کند. زمانی به فرد همراه اعتماد می‌کند که یکی از اعضای خانواده یا یکی از دوستان نزدیک باشد. در همه این احوال بر دانش و تجربه خود بیش از هر چیز تکیه می‌کند. افراد بینا با دیدن میوه‌فروشی‌ها یا وانت‌هایی که بار میوه دارند، متوجه می‌شوند که در حال حاضر چه میوه‌هایی بیشتر در بازار هستند و اینکه حالا فصل چه میوه‌ای است. حال باید دید که افراد نابینا چگونه متوجه این مسئله می‌شوند؟ صدای بلندگوی وانت‌ها یا فروشندگانی که در بازارهای محلی محصولاتشان را نام می‌برند، یکی از موقعیت‌هایی است که افراد نابینا را متوجه وجود آن محصول در بازار می‌کند.

بریل‌بات؛ پروژه‌ای رایگان و منبع‌باز

برای یادگیری بریل

گردآوری و ترجمه: میثم امینی

استفاده کنند، در نتیجه بریل اغلب برای اینکه افراد دارای آسیب بینایی ریاضیات و سایر مطالب وابسته به دید را درک کنند ضروری است. ستون‌ها، جدول‌ها و نمودارها را هم می‌توان برای استفاده به خط بریل مناسب‌سازی کرد.

*علاوه بر ارائه دسترسی بیشتر به متن نوشته‌شده، دانستن بریل به نابینایان و کم‌بینایان استقلال بیشتری می‌دهد؛ برای مثال مکان‌های عمومی مثل فرودگاه‌ها و آسانسورها معمولاً نشانه‌های بریل را دارند؛ در نتیجه کسانی که بریل می‌دانند به جای اینکه شاید مجبور باشند برای راهنمایی به دیگران متکی باشند، می‌توانند خود از اینکه این نشانه‌های بریل مربوط به چه چیزی‌اند اطلاع پیدا کنند. همچنین داروها و تعداد رو به افزایشی از محصولات غذایی هم معمولاً برچسب بریل دارند. این به نابینایان و کم‌بینایان بریل‌خوان اجازه می‌دهد سریع محصولات را شناسایی کنند.

*صفحه‌کلیدهای فیزیکی بریل که از بلوتوث پشتیبانی می‌کنند، معمولاً بازخورد لمسی مناسبی را ارائه می‌دهند. بازخورد لمسی در درجه اول برای افراد نابینا و کم‌بینا مناسب است. استفاده از حواس، شامل ویبره و بازخورد لمسی به کاربران کمک می‌کند کلیدها را پیدا کنند و به آنها اجازه می‌دهد بدانند که کلیدهای خاصی فشرده شده است. صفحه‌کلیدهای بریل مجازی هم بازخورد لمسی ارائه می‌دهند که البته کمتر از این بازخورد در صفحه‌کلیدهای بریل فیزیکی کارآمد است. بریل چاپ‌شده شکل دیگری از بازخورد لمسی است که به نابینایان و کم‌بینایان اجازه می‌دهد متن نوشته‌شده را حس کنند.

*دانستن بریل مزایای شغلی نیز دارد. نابینایان و کم‌بینایانی که می‌توانند بریل بخوانند و بنویسند، علاوه بر اینکه می‌توانند از دستگاه‌هایی مثل یادداشت‌بردار بریل برای یادداشت‌برداری از سخنرانی‌ها و جلسه‌ها استفاده کنند، نسبت به کسانی که بریل نمی‌دانند، شانس بیشتری برای پیدا کردن شغل دارند. بر اساس آمار فدراسیون ملی نابینایان ایالات متحده

چهارم ژانویه، روز جهانی بریل، بود که از آن مدت زیادی نمی‌گذرد؛ بنابراین تصمیم گرفتیم در این شماره از نسل‌مانا در ستون فناوری کمی در مورد بریل بگوییم و با یک دستگاه رایگان و منبع‌باز آموزش بریل آشنا شویم.

دانستن بریل، به‌خصوص برای افراد نابینا و کم‌بینا که برای درک اطلاعات و ارتباط با دیگران به آن متکی‌اند، مهارت ارزشمندی است. صفحه‌کلیدها و نمایشگرهای بریل، دو نوع دستگاه دیجیتالی اصلی‌اند که افراد برای خواندن و نوشتن بریل از آنها استفاده می‌کنند.

دانستن بریل مزایای بسیاری دارد که در ادامه به بعضی از این مزایا اشاره می‌کنیم:

*یادگیری بریل به افراد نابینا و کم‌بینا اجازه می‌دهد چگونگی قالب‌بندی متن در یک صفحه را درک کنند. برخلاف گوش دادن به صفحه‌خوان، در سندهای بریل کاربران یاد می‌گیرند که متن در کجای صفحه‌های مختلف قرار دارد. این موضوع می‌تواند به تساوی بیشتر با افراد بینا منتهی شود، زیرا افراد دارای آسیب بینایی می‌توانند متن را در صفحه‌هایی مثل افراد بینا تجربه کنند. این تساوی بیشتر می‌تواند عزت‌نفس افراد دارای آسیب بینایی را افزایش دهد، زیرا آنها می‌توانند مثل بیشتر افراد دیگر با متن نوشته‌شده کار کنند و البته که صفحه‌کلید بریل اغلب برای ایجاد اسناد بریل استفاده می‌شود.

*بریل برای یادگیری محتواهایی که تا حد زیادی به دید بستگی دارند، مثل محتواهای ریاضی و علمی مفید است. در این زمینه‌های تحصیلی غالباً از نمادها برای نمایش مفاهیم... استفاده می‌شود. نابینایان و کم‌بینایانی که بریل را یاد گرفته‌اند می‌توانند از آن برای یادگیری مطالبی که در این زمینه‌ها آموزش داده می‌شود

آنها را بهتر بیاموزد، به تدریج نویسه‌های جدید را معرفی کند و با گذشت زمان پیچیدگی آموزش را افزایش دهد تا وقتی که کاربر به خواندن بریل مسلط شود.

مغز بریل‌بات یک برد توسعه‌ی دی‌اف‌روبات رومیو ای‌اس‌پی۳۲ - اس۳ است که نسبت به سایر بردهای توسعه قابلیت‌های بیشتری دارد. مهم‌تر اینکه این برد توسعه شامل درایورهای سروو برای کنترل شش موتور سروو است که بریل‌بات از آنها برای بالا و پایین بردن نقطه‌های بریل استفاده می‌کند. یک دی‌اف‌روبات دی‌اف‌پلیر مینی نیز پیوسته پرونده‌های ام‌پی‌تری حاوی نام نویسه‌ها را ذخیره و پخش می‌کند. کاربران می‌توانند با یک جفت حسگر لمسی با بریل‌بات تعامل داشته باشند. همه‌ی این اجزا در محفظه‌ای ساده و نسبتاً جمع و جور که چاپ سه‌بعدی می‌شود قرار گرفته‌اند.

بردهای توسعه الکترونیکی‌اند که بیشتر برای مقاصد آموزشی و تهیه نمونه اولیه در زمینه‌های رباتیک و مهندسی الکترونیک و همچنین برای سرگرمی ارائه شده‌اند و معمولاً حاوی یک میکروکنترلر یا پردازشگر کوچک و قطعات الکترونیکی دیگری‌اند که این میکروکنترلر را پشتیبانی می‌کنند. موتورهای سروو هم قطعاتی الکترونیکی‌اند که بخش‌هایی از یک دستگاه را با دقت می‌چرخانند یا به جلو و عقب حرکت می‌دهند.

سنخلا برای نشان دادن عملکرد بریل‌بات برای آن چند ثابت‌افزار ساده نوشته است، اما این دستگاه توانمندی بسیار بیشتری دارد که اگر با یک برنامه درسی جامع جفت شود، می‌توان این توانمندی را محقق کرد، حتی می‌توان بعد از اینکه کاربر یادگیری بریل را به پایان رساند، از بریل‌بات به‌عنوان یک نمایشگر بریل استفاده کرد و متنی را که روی مانیتور نمایش داده می‌شود، به خط بریل با بریل‌بات نمایش داد.

بریل‌بات پروژه‌ای رایگان و منبع‌باز است؛ بنابراین توسعه‌دهندگان و آموزگاران آزادند که بریل‌بات را گسترش و بهبود دهند.

آمریکا حدود ۸۵ درصد آمریکایی‌های بزرگ‌سال که می‌توانند بریل بخوانند شاغل‌اند. این موضوع می‌تواند به این دلیل باشد که مثلاً سریع نوشتن بریل روی یک‌تکه کاغذ از نوشتن متن روی رایانه کارآمدتر است. کارفرمایان ممکن است در فرایند استخدام برای این نوع مهارت‌ها ارزش قائل شوند.

با وجود مزایایی که ذکر شد، یادگیری بریل برای بسیاری از افراد دشوار است. همچنین یکی از نقطه‌ضعف‌های بریل این است که به‌عنوان یک سیستم نوشتاری لمسی، ارائه متن پویا مثل کاری که صفحه‌های نمایش دیجیتالی مثل پنل‌های ال‌سی‌دی برای نویسه‌های دیداری و تصاویر انجام می‌دهند مشکل است.



برای تغییر یک نویسه بریل به نویسه‌ای دیگر به نوعی سیستم الکترومکانیکی احتیاج است تا نقطه‌ها را بالا و پایین ببرد. این دقیقاً چیزی است که مخترعی به نام «موکش سنخلا» ساخته است. این دستگاه که «بریل‌بات» نام دارد، روی سطح بالایی خود شش سوراخ دارد و می‌تواند میله‌های کوچکی را از این سوراخ‌ها خارج کند تا هر نویسه بریلی را تشکیل دهد. بریل‌بات در ترکیب با یک سیستم صوتی که این نویسه‌ها را اعلام می‌کند، دستگاهی عالی برای یادگیری بریل است.

مانند برنامه‌های آموزش زبان محبوب، بریل‌بات می‌تواند هنگام تکرار نویسه‌هایی که قبلاً معرفی شده‌اند تا کاربر

دو میلیون تومانی بین حساب‌های مشمولان توزیع کند و امکان برداشت آن را ندهد، مگر به شرط خرید بلیت.

جالب آنکه موجودی حساب‌ها سالانه شارژ می‌شود. حالا اگر برخی از مشمولان امکان سالی یک سفر را هم نداشته باشند - که با توجه به شدت معلولیت و بضاعت مالی ندارند - این پول‌ها به نام معلول و به کام بانک پارسیان در همان حساب و در جیب بانک پارسیان مسدود می‌ماند.

چرا بانک رفاه نه؟

گفته شده پای بانک پارسیان به دلیل افتتاح غیرحضوری حساب برای معلولان به این تفاهم‌نامه باز شده، اما یک دلیل واضح با رد این احتمال، اشاره می‌کند که پای موضوع می‌تواند در چیز دیگری، به جز افتتاح حساب بند باشد. اگر غرض از حضور بانک پارسیان در این ماجرا راحتی معلولان و عدم مراجعه حضوری برای افتتاح حساب بود، دلیل از این واضح‌تر که بانک رفاه به‌عنوان زیرمجموعه وزارت رفاه دارنده حساب مربوط به همه حمایت‌های بهزیستی برای همه مددجویان، اعم از معلول و غیرمعلول است و حتی نیاز به افتتاح غیرحضوری را هم رفع می‌کند چه برسد به افتتاح حساب از راه دور؟!

۱۳۰ هزار نفر انتخابی!

ماجرا آنجایی جالب‌تر می‌شود که طبق اعلام رئیس سازمان بهزیستی ۱۳۰ هزار نفر مشمول مفاد تفاهم‌نامه مذکور شده‌اند و به گفته مدیرکل دفتر پیشگیری از معلولیت‌های این سازمان در بازه سنی ۱۸ تا ۶۰ سال ۲۴۰ هزار نفر شناسایی شده‌اند که از میان آنها ۱۳۰ هزار نفر انتخاب شده‌اند. این در حالی است که تعداد افراد دارای معلولیت شدید و خیلی شدید به مراتب بیشتر از این رقم است و صحت آن توسط رئیس این سازمان آنجا که نیاز به بزرگ‌نمایی عملکرد و سختی کار باشد، بارها تأیید شده است، اما هر جا که نوبت به ارائه خدمت می‌رسد، این جامعه مظلوم را تقلیل می‌دهند.

ماجرای یک تفاهم‌نامه عجیب: چوب حراج سازمان بهزیستی به ۲۷۰ میلیارد تومان اعتبار سفرهای رایگان معلولان رؤیا بابایی: خبرنگار حوزه معلولان



حدود یک ماه پیش سازمان بهزیستی کشور در وبگاه خود از انعقاد تفاهم‌نامه‌ای بین این سازمان، وزارت رفاه، وزارت میراث فرهنگی و بانک پارسیان خبر داد و نوشت: طبق این تفاهم‌نامه افراد دارای معلولیت شدید و خیلی شدید می‌توانند از سامانه‌های حمل‌ونقل درون‌شهری دولتی و عمومی به‌صورت رایگان و سامانه‌های برون‌شهری ریلی، هوایی و دریایی دولتی و عمومی به‌صورت نیم‌بها استفاده کنند.

اگرچه خاستگاه این تفاهم‌نامه، تبصره ۲ ماده ۵ قانون حمایت از معلولان است، اما اقدام اخیر بهزیستی با نفس این قانون چندان صادق نیست و این سازمان همچون بی‌شمار موارد دیگر، این بار هم به‌گونه‌ای نرم و رندانه از قانون تخطی کرده است.

تبصره ۲ ماده ۵ قانون معلولان در خدمت

بانک پارسیان

از نکات جالب ماجرا این است که ۲۷۰ میلیارد تومان اختصاص یافته به اجرای این تفاهم‌نامه قرار است دو دستی به بانک پارسیان داده شود تا این بانک کل این مبلغ را نزد خود نگه‌داشته و آن را به‌صورت سهمیه‌های

تفاهم‌نامه یا سند محرمانه؟

وی می‌افزاید: بهزیستی ماه گذشته یک تفاهم‌نامه چهارجانبه منعقد کرد و در وبگاه خود خبر داد که در فاز اول برای ۱۳۰ هزار معلول افتتاح حساب و رمز بانکی برایشان ارسال کرده و قرار است به هر نفر دو میلیون پرداخت کنند تا افراد هنگام خرید بلیت از آن استفاده کنند، اما امکان برداشت پول، به جز برای خرید بلیت وجود ندارد و موجودی حساب به اضافه شارژ سالانه آن در حساب افرادی که قادر به سفر رفتن نیستند مسدود می‌ماند. او تأکید می‌کند: تفاهم‌نامه اساساً زیر سایه ابهام است و با اینکه وبگاه سازمان بهزیستی از امضای آن خبر داده و تصویر مدیران هر چهار نهاد را در حالی که هر یک نسخه امضاشده تفاهم‌نامه را در دست داشتند منتشر کرده است، اما حالا مانند سندی محرمانه از آن مراقبت می‌کنند تا اطلاعات به بیرون درز نکند. مروتی توضیح می‌دهد: محتوای تفاهم‌نامه را از خانم صفاری فرد خواستم، اما از دادن آن امتناع کرد. بیست روز پیش هم از طریق سامانه دسترسی آزاد به اطلاعات آن را درخواست کردم، اما بهزیستی هنوز چیزی ارائه نداده است. وزارت رفاه هم اعلام کرد تفاهم‌نامه هنوز نهایی نشده، در حالی که خبر موجود در وبگاه سازمان بهزیستی و مصاحبه رئیس آن با رسانه‌ها مؤید عکس این مطلب است و مشخص است نمی‌خواهند متن تفاهم‌نامه را علنی کنند، اما اگر تفاهم‌نامه برای معلولان و به نفع آنهاست، چرا آن را از خود معلولان مخفی می‌کنند؟

ملاک انتخاب معلولان را بگویند

به گفته مروتی الان بهزیستی برای اینکه این پول به خزانه برنگردد، با عجله حساب‌ها را شارژ می‌کند، اما این اقدام مشکلات بسیاری دارد. بهزیستی نزدیک به دو میلیون نفر معلول را تحت پوشش خود دارد و اگر حتی ۱۰ درصد این رقم را هم دارندگان معلولیت شدید در نظر بگیریم، باز تعداد آن از ۱۳۰ هزار نفر مشمول اعلام شده کمتر است و این سازمان باید علاوه بر ملاک انتخاب

نکته دیگر دو کلیدواژه «شناسایی» و «انتخاب» هستند؛ کلماتی که از عمق فاجعه در حال وقوع پرده برمی‌دارند و این تصویر را می‌رسانند که ۱۳۰ هزار معلول نه بر اساس داشتن شرایط، بلکه متناسب با سلیقه مدیران اول شناسایی و سپس انتخاب شده‌اند، اما اگر ملاک عمل، انتخاب‌های سلیقه‌ای است؛ اول اینکه پس اصالت قانون چه می‌شود؟ دوم اگر ملاک این است، آیا مدیران مربوط نباید سلیقه‌شان را علنی کنند تا معلولان بیشتری بتوانند خود را به سلیقه نامبرندگان نزدیک کنند و به انتخابشان درآیند؟ همچنین قانون تمامی معلولان شدید و خیلی شدید را مشمول برخورداری از این امکان کرده و اقدام سازمان بهزیستی در انتخاب تنها ۱۳۰ هزار معلول، عملی غیرقانونی و ترویج تبعیض است و اما کجاست سازمان بازرسی؟!

دیگر سؤال بی‌جواب در مورد این تصمیم اشتباه این است که تکلیف معلولانی که انتخاب نشده‌اند، اما قصد سفر دارند چیست؟ آنها از قانونی که برایشان زمینه سفر نیم‌بها فراهم آورده است، اما در سلیقه مجری قانون نیستند چگونه استفاده کنند؟

رئیس سازمان بهزیستی سوءمدیریت دارد

مدیر کمپین معلولان در این خصوص می‌گوید: تبصره ۲ ماده ۵ قانون حمایت از معلولان سال‌ها بود اجرا نمی‌شد. پس از بارها پیگیری از سازمان برنامه و شکایت به کمیسیون اصل ۹۰ مجلس، در نهایت سازمان بازرسی کل کشور در موضوع ورود کرد و سازمان برنامه را موظف به تخصیص ۲۷۰ میلیارد تومان برای اجرای این قانون کرد. بهروز مروتی ادامه می‌دهد: اما مشکل معلولان فقط کمبود بودجه نیست، چون مدیران این سازمان دلسوز نیستند، حتی پول و اعتبار موجود را هم هدر می‌دهند. رئیس بهزیستی سوءمدیریت دارد و قادری و دار و دسته‌اش همین منابع محدود را به شکل بی‌بازگشت و بدون دستاورد هزینه می‌کنند و متأسفانه هیچ نهادی هم نظارتی به عملکرد بهزیستی ندارد.

چیست؟ این پول هنگام خرید بلیت و کارت کشیدن چگونه نیم‌بها هزینه می‌شود؟

بانک پارسیان به تنهایی سود می‌برد؟

او می‌افزاید: آیا پولی که در حساب بانک پارسیان می‌ماند به صاحبان حساب سود می‌دهد یا فقط خودش از مانده حساب معلولان سود می‌برد و اگر معلولی هیچ‌وقت از این کارت استفاده نکند، چه اتفاقی برای حساب می‌افتد؟ اگر یک معلول هیچ‌وقت از این پول استفاده نکند، تکلیف این پول چه می‌شود؟ می‌سوزد یا به خزانه برمی‌گردد؟

تناقضی دیگر

یکی از مدیران انجمن‌های معلولان نیز می‌گوید: اخیراً بهزیستی با برخی از معلولان تهرانی تماس گرفته و از آنها خواسته‌اند مستندات سفرهای اخیرشان را ارائه و هزینه‌اش را دریافت کنند، درحالی‌که این با متن تفاهم‌نامه‌ی اخیر و سماکارت‌های ارائه‌شده به معلولان تناقض دارد. او بیان می‌کند: مکانیسم و ساز و کار بهزیستی در رابطه با تفاهم‌نامه‌ی اخیر ابهام دارد و سوءتدبیر و حتی نگرش‌های شخصی، متن کار را در برگرفته است.

وزارت میراث فرهنگی فاقد امکان ارائه

خدمت به معلولان

آشکارترین ایراد وارد بر همکاری بهزیستی با وزارت میراث فرهنگی این است که اغلب میراث فرهنگی کشور به دلیل قدمت و ارزش تاریخی قابلیت دست‌کاری به‌منظور مناسب‌سازی و تعبیه‌ی آسانسور، بالابر و شیب را ندارند و بهزیستی برای ایجاد بستر سفرهای معلولان دست روی نهادی گذاشته است که دست‌کم در این زمینه کمترین همکاری را نمی‌تواند داشته باشد. در شرایط عادی، حتی برخی از دلایل ذکر شده برای ابطال تفاهم‌نامه‌ی مذکور و اتخاذ تمهیدات دیگر کفایت می‌کند، اما چه می‌توان کرد که ما با سازمانی مواجهیم که مدت‌هاست حال و مدیریتهش عادی نیست؟!

معلولان، دلیل اینکه چرا باقی این جامعه را از برخورداری این امکان محدود کرده نیز توضیح دهد.

بی‌توجهی به سازمان هواپیمایی و شرکت

راه‌آهن

او بیان می‌کند: با وجود سازمان‌های متولی مثل سازمان هواپیمایی کشوری و شرکت راه‌آهن و همچنین بانک رفاه که از بدنه‌ی بانک رفاه است و سابقه‌ی همکاری چندین ساله با بهزیستی دارد، جای تعجب دارد که بهزیستی سراغ وزارت میراث فرهنگی و بانک پارسیان رفته است.

راهکارها

مروتی با بیان اینکه بهزیستی می‌توانست الگوی پرداخت شهریه‌ی دانشجویان معلول به دانشگاه‌ها را در مورد بلیت‌های نیم‌بها هم تکرار کند، اذعان می‌کند: بهزیستی می‌توانست به‌عنوان متولی خدمات مسافرتی در کشور با سازمان هواپیمایی و شرکت راه‌آهن تفاهم‌نامه‌ای امضا کند و علاوه‌بر کوتاه کردن مسیر خدمت‌دهی به معلولان، از خودشان هم در راستای مسئولیت‌های اجتماعی امتیازاتی بگیرد و پول به‌جای واریز به حساب افراد، به حساب این دو نهاد پرداخت شود و معلولان فقط با ارائه‌ی کارت معلولیت از خدمات مسافرتی استفاده کنند. او با بیان اینکه من در آخرین دیدار با رئیس اداره‌ی سلامت و رفاه اجتماعی برنامه و بودجه این نقد را انتقال دادم و آنها با اینکه حق دادند و قول پیگیری دادند، اما باز مسئله حل نشد. مروتی می‌گوید: راهکار دیگر خرید بلیت توسط خود معلولان و ارائه‌ی مستندات به مراکز مثبت زندگی و دریافت هزینه‌ی بلیت از همان طریق بود، اما متأسفانه بهزیستی حتی کارکردها و توانمندی‌های خود را نیز نادیده گرفته است. این فعال حوزه‌ی معلولان کشور با بیان اینکه تفاهم‌نامه‌ی اخیر سؤال‌های بسیاری ایجاد کرده است، می‌افزاید: الان افراد دارای معلولیت شدید و خیلی شدید که پیامک برایشان نیامده، باید برای استفاده از بلیت نیم‌بها چه کنند؟! تکلیف افرادی که مشمول سلیقه‌ی آقایان نشده‌اند

حامیان تقلیل چه می‌گویند؟

برخی معتقدند افراد دارای معلولیت برای انجام بسیاری از کارهای روزانه خود به زمان بیشتری نسبت به سایرین نیازمندند؛ بنابراین چنین قوانینی می‌تواند به‌عنوان تبعیض مثبت، به بهبود کیفیت زندگی این قشر کمک کند. بعضی از مشکلات جسمی ناشی از معلولیت دیگر علتی است که مدافعان مطرح می‌کنند. چنین مشکلاتی ممکن است مانع کار کردن فرد در ساعت‌های طولانی شود؛ برای مثال بعضی از افراد آسیب‌دیده نخاعی نمی‌توانند زمان طولانی را در مکانی همچون اداره‌های دولتی تحمل کنند. تقلیل ساعت‌های کاری راهی است که چنین اشخاصی نیز بتوانند شاغل شوند و حضور مؤثری در اجتماع داشته باشند.

در نقد موافقان

دلایل حامیان از نظر برخی صاحب‌نظران کافی و معتبر نیست. آنان سیاست جبرانی این قانون را مناسب نمی‌دانند، زیرا پیامدهای منفی آن بسیار بیشتر از محاسن آن است. از نظر این گروه، برای حمایت از کارمندان دارای معلولیت می‌توان قوانین متفاوتی وضع کرد؛ برای مثال افزودن یک ردیف حقوقی با عنوان حق معلولیت یا الزام دستگاه‌های دولتی به مناسب‌سازی فضا و شرایط کار. ضمن اینکه گروه کوچکی از افراد دارای معلولیت با ساعات طولانی کار دچار مشکل می‌شوند، پس اجرای این قانون برای تمامی آنان لازم نیست و می‌توان نیاز افراد را برای اجرای قانون در نظر گرفت.

تقلیل ساعت‌های کاری چه آسیب‌هایی در بر

دارد؟

مخالفان این ماده قانونی معتقدند با کاهش ساعت‌های کاری یک کارمند، جای او در بخشی از هفته خالی می‌ماند و وظایف او در آن زمان یا انجام نمی‌شود یا می‌بایست به شخص دیگری سپرده شود. این موضوع به کاهش کارایی آن کارمند و زیر سؤال رفتن عملکرد و اثربخشی وی منجر می‌شود؛ برای مثال آموزگاری که

تقلیل ساعات کاری افراد دارای

معلولیت: آری یا نه؟!

امین عرب: روان‌شناس و آموزگار آموزش و پرورش استثنایی فارس



در ماده ۲۸ قانون حمایت از حقوق معلولان آمده است: «دستگاه‌های مشمول مکلفاند ساعات کار هفتگی شاغلان دارای معلولیت‌های شدید و خیلی شدید را ده ساعت کاهش دهند.» از زمان ابلاغ این قانون در سال ۱۳۹۷، بحث‌های فراوانی در مورد این ماده درگرفته و اختلاف نظر بسیاری در بین صاحب‌نظران ایجاد شده است. اجرای این ماده قانونی نیز همانند ماهیتش چالش‌برانگیز بود، زیرا همان دولتی که لایحه پیشنهادی آن را به مجلس ارائه کرد، در اجرای آن مقاومت بسیاری نشان داد و حتی در بعضی دستگاه‌ها از اجرای آن به‌طور کامل سر باز زد. با گذشت بیش از پنج‌سال از ابلاغ این قانون، هنوز صحبت از مزایا و معایب آن در جمع کارمندان دارای معلولیت داغ است. آیا اساساً چنین امتیازی برای کارمندان دارای معلولیت لازم است و آن‌طور که می‌بایست جنبه حمایتی دارد یا اینکه خود می‌تواند مانعی بر سر اشتغال این قشر باشد؟ اکنون که این قانون تصویب و اجرایی شده، استفاده کردن از آن به نفع ما است یا به ضرر ما؟ در این یادداشت به بررسی ابعاد گوناگون این موضوع می‌پردازیم و سعی بر آن است که با کمترین سوگیری به هر دیدگاه، صرفاً به بسط آن بپردازیم و جمع‌بندی را بر عهده مخاطب بگذاریم.

مخالفتان می‌پرسند با قانون مصوب چه باید کرد؟

در میان کسانی که با وجود این قانون مخالف هستند، در مورد اجرایی شدن یا نشدن آن دو دستگی وجود دارد. برخی علی‌رغم اذعان به آسیب‌های آن، معتقدند که قانون باید اجرا شود. به باور آنها دولت با قانون حمایت از حقوق معلولان مثل یک توصیه‌نامه برخورد و اجرایی از مفاد آن را منوط به تأمین اعتبار کرده است؛ بنابراین اگر خود ما از اجرای بخش‌هایی از آن کوتاه بیاییم، دست دولت را در این زمینه باز گذاشته‌ایم، پس بهتر آن است که اجرای بی‌کم و کاست قانون را مطالبه کنیم و در کنار آن از راه‌های دیگری مثل تشکیل کمپین‌های اعتراضی، صدایمان را به گوش مجلس برسانیم تا فرایند اصلاح قانون از راه اصولی‌اش پیش برود. اما مخالفتان اجرای قانون، استفاده نکردن از مزایای آن را بهترین راه برای اعتراض و کاهش پیامدهای منفی آن می‌دانند. این گروه معتقدند اگر تعداد زیادی از کارمندان دارای معلولیت به دنبال اجرای تقلیل ساعات‌های کاری نباشند، پیامدهای منفی آن، به‌مرور، از بین خواهد رفت و توجه قانون‌گذاران را به نحو احسن جلب خواهد کرد.

طرح پرسش: شروعی برای گفتگو

با وجود اختلاف‌نظر فراوان، آنچه بسیاری از صاحب‌نظران در مورد آن توافق دارند، عدم توجه دقیق قانون‌گذاران به ابعاد مختلف این موضوع پیش از تصویب قانون است، چون نظرسنجی‌ها و گفتگو‌هایی که لازم بود پیش از تصویب قانون انجام شوند به بعد از آن موکول شد. حال پس از بررسی دیدگاه‌های مختلف، مزایای این قانون برای ما بیشتر است یا معایب آن؟ اکنون که یک تصمیم بدون در نظر گرفتن بسیاری از عواقب آن اتخاذ شده، آیا می‌توان باب گفتگو را باز کرد و برای انتخاب‌های پیش رو به تبادل نظر پرداخت؟ در این شرایط کارمند دارای معلولیت چگونه می‌تواند به اقدامی هوشمندانه دست بزند؟

موظف است تمام روزهای هفته را با دانش‌آموزان یک پایه تحصیلی خاص بگذرانند، در صورت استفاده از تقلیل ساعات کاری، می‌بایست کلاس خود را در بخشی از هفته به یکی از همکارانش بسپارد که می‌تواند برای دانش‌آموزان آسیب‌هایی را در بر داشته باشد؛ هرچند در برخی جایگاه‌های شغلی حساسیت موضوع به این اندازه نیست، چنین مشکلاتی کم و بیش در هر شغلی به وجود می‌آید.

همچنین مدیران معمولاً کارمندی را که تمام‌وقت کار می‌کند به کارمندان پاره‌وقت ترجیح می‌دهند؛ بنابراین مقاومت در برابر استخدام افراد دارای معلولیت که در حال حاضر نیز یکی از مهم‌ترین چالش‌ها به شمار می‌رود، تشدید خواهد شد. مسئولانی که از هر راه ممکن برای حذف معلولان از فرایند استخدام استفاده می‌کنند، با وجود این قانون دستاویز محکم‌تری برای ناکارآمد نشان دادن این گروه خواهند داشت.

در نقد مخالفتان

موافقان تقلیل ساعات‌های کار دلایل مخالفتان را به چالش می‌کشند. آنان معتقدند در صورت برنامه‌ریزی و تقسیم وظایف درست در محل کار فرد دارای معلولیت، مشکلی پیش نخواهد آمد و در زمان عدم حضور او، همکاران به امور ضروری رسیدگی می‌کنند. در همان مثال آموزگار، چنانچه تقسیم درس‌ها و مباحث، به‌درستی، بین دو همکار صورت گیرد، مشکلی برای دانش‌آموزان ایجاد نخواهد شد.

همچنین این گروه مقاومت مسئولان در استخدام کارمند دارای معلولیت را ناشی از عدم اجرای کامل و درست قوانین حمایتی می‌دانند. مثال آنان در این زمینه افراد جانباز است که اگرچه از تقلیل ساعات‌های کاری برخوردارند، چنین مشکلاتی در روند استخدام آنان ایجاد نمی‌شود، پس نتیجه می‌گیرند که مشکل در ضمانت اجرایی قوانین است، نه تقلیل ساعات کاری.

انجام می‌دم و البته به‌تازگی خیلی روی دسترس‌پذیری آفیس هم کار می‌کنم.

- چقدر جالب! برای فعالیت تو این شغل به چه آموزشایی نیاز داشتی؟

- خب! من سفر عجیبی داشتم. وقتی مدرسه می‌رفتم، قدرت انتخاب داشتم، اما وقتی در هجده‌نوزده‌سالگی متوجه مشکل بیناییم شدم، دیگه دایرهٔ انتخابم محدود بود. چاره‌ای نداشتم، جز اینکه یه فرایند معمول رو بگذرونم، پس عضو بیمهٔ تأمین اجتماعی معلولان^۱ شدم و به کالج رفتم. بعد از گذروندن دورهٔ دوساله در کالج مدرک کاردانی علوم کاربردی^۲ رو گرفتم. با توجه به آموزشی که دیده بودم؛ درواقع باید شغل من معاونت اداری می‌بود، ولی من به فناوری خیلی علاقه داشتم.

قبل از ورودم به میکروسافت دوسه تا کسب و کار کوچیک راه انداختم و زندگی این شکلی در جریان بود، ولی من می‌خواستم وارد میکروسافت بشم، پس در طول سه سال برای هفت شغل مختلف در میکروسافت و برای هر شغل سه بار مصاحبه رفتم؛ بنابراین من در طول اون سه سال، ۲۱ نفر از چهره‌های میکروسافت رو دیدم و بالاخره تونستم وارد بشم. در ابتدا توی مرکز پشتیبانی به کار مشغول شدم؛ «سلام! مت هستم، از اینکه با پشتیبانی میکروسافت تماس گرفتین ممنونم...» و بهشون کمک می‌کردم مشکل آفیسشون رو حل کنن. این‌طوری کارم رو شروع کردم و به‌تدریج پیشرفت کردم، ولی هر مطلبی که تا حالا یاد گرفتم تا حد زیادی به‌صورت خودخوان بود یا اینکه از بقیه یاد گرفتم.

نکتهٔ مهمی که به نظرم برای همه و تو هر شرکتی می‌تونه سودمند باشه و به همه توصیه می‌کنم اینه که از هم‌تیمی‌هاتون کمک بگیرید. همهٔ کسانی که شما باهاشون کار می‌کنید، می‌خوان که شما موفق بشید. من هم خیلی از مطالب لازم رو از هم‌تیمی‌ها و همکارام یاد

مشاغل از نگاه یوتیوبر نابینا

مترجم، مریم مشایخی



سم: سلام دوستان! به بلایند لایف خوش برگشتین! در برنامهٔ امروزمون با مت فیلیپیگو صحبت می‌کنیم. مت! خیلی ممنونم ازت! قبل از هر چیز بهمون بگو مشکل بیناییت چیه؟

مت: مشکل بینایی من اشتارگارتته. من و سم برادران اشتارگارت هستیم. هجده‌نوزده‌ساله بودم که برای اولین بار متوجه نقصی در بیناییم شدم و پیش چندتا دکتر رفتم. از اون موقع باهاش زندگی می‌کنم تا حالا که تقریباً چهل‌ساله هستیم.

- در حال حاضر چقدر بینایی داری؟

- من کم‌بینا هستم.

- بسیار خوب! زندگی رو چطور می‌گذرونی؟

- من نه‌ساله که تو شبکهٔ منابع انسانی میکروسافت کار می‌کنم؛ درواقع عضو تیمی هستم که کارش رسیدگی به مشکلات سازمانیه؛ برای مثال من به‌تازگی با سازمان کار کردم و با دولت هم کار کردم. براشون آفیس رو راه‌اندازی می‌کنم، آفیس رو براشون به‌روزرسانی می‌کنم یا فعال‌سازی آفیس رو براشون

² Associate of Applied Science

¹ SSDI: Social Security Disability Insurance

- عالی‌ه! البته شاید همیشه این پروسه این قدر راحت و هموار نباشه، ولی خیلی وقتاً شرکتنا خوشحال می‌شن از اینکه به شما کمک کنن و وسایل مورد نیاز شما رو فراهم کنن تا شما بتونید کارتون رو به‌خوبی انجام بدید. خب مت! تو همکار کم‌بینا یا نابینای دیگه‌ای هم تو بخش خودتون می‌شناسی یا فقط تو این مشکل رو داری؟

- توی تیمی که من کار می‌کنم، فقط من مشکل بینایی دارم، ولی توی تیم مهندسی‌مون هم چندتا همکار کم‌بینا داریم. نکته مهم اینه که همکاری من واقعاً حواسشون به شرایط من هست؛ برای مثال توی گردهمایی که ما هر سه‌ماه یک‌بار در سیاتل داریم، همه همکارا من رو می‌شناسن و مطالبی رو که قراره روی پروژکتور با بقیه به اشتراک بذارن، قبلش در اختیار من می‌ذارن، چون می‌دونن من نمی‌تونم اونا رو بخونم؛ درواقع فرقی نداره شما کجا کار می‌کنید. اگه تصمیم بگیرید راجع به مشکلاتون صحبت کنید، این کار شما رو توانمند می‌کنه. شاید فکر کنید صحبت راجع به مشکلاتون، شما رو عقب نگه می‌داره. خود من تا مدت زیادی غرورم اجازه نمی‌داد راجع به مشکلم حرف بزنم، چون نمی‌خواستم کسی از روی ترحم کاری برام انجام بده، ولی کم‌کم متوجه شدم که هرچقدر من شفاف‌تر راجع به نقص بیناییم صحبت کنم، بقیه راحت‌تر می‌تونن باهام همکاری کنن.

- خب مت! شاید بعضی از مخاطب‌های ما دوست دارن برن سر کار، اما به‌خاطر مشکل بینایی‌شون مضطربن. تو به اونا چی می‌گی؟

مت: دنبال کاری که بهش علاقه دارید برید! خیلی از مردم خیلی چیزا رو در زندگی در نظر می‌گیرن. من حتی قبل از اینکه متوجه مشکل بیناییم بشم، کمک‌بهبیار بودم و واقعاً عاشق کارم بودم. همون‌جا هم با همسر آشنا شدم، ولی کار کردن در زمینه پزشکی برام سخت بود. برای نمودارا و مراقبتا مشکل داشتم و گاهی بعضی چیزا

گرفتم؛ در واقع روزی نیست که من توی مایکروسافت مطلب جدیدی یاد نگیرم و این مأموریت کارمندی مایکروسافت که همیشه در حال یادگیری باشن. درست همون زمانی که فکر می‌کنی همه‌چی رو می‌دونی و دچار رکود می‌شی، اون وقته که پسرفت می‌کنی؛ درواقع اگه نخوای پیشرفت کنی و یاد بگیری، چاره‌ای جز پسرفت نداری.

- بله! منطقیه. اگه تو فکر کنی که همه‌چیز رو می‌دونی، دیگه کسی نیستی که اونا می‌خوان. خب! بهمون بگو که برای انجام این شغل به چه وسایل کمکی نیاز داشتی و درخواستات چطور پیش رفت؟

- خب! توی مایکروسافت خیلی جالب بود، اما راجع به شغلای قبلیم هم صحبت کنیم. قبل از اینکه وارد مایکروسافت بشم، کار فروشندگی رو شروع کردم. وقتی فروشنده بودم، خیلی از وسایل کمکی استفاده نمی‌کردم. یه مانیتور بزرگ داشتم که می‌داشتمش روی لبه میز و کیبورد هم درست زیرش بود. صورتم فقط چند اینچ از مانیتور فاصله داشت و این کار هر روزم بود. به چشمام به‌شدت فشار می‌اومد و دیدم خیلی تار می‌شد، اصلاً نمی‌دیدم. بعد به‌زحمت راهم رو به سمت بیرون از اتاق پیدا می‌کردم و کمی می‌نشستم، کمی موزیک گوش می‌دادم تا یه کم چشمام استراحت می‌کردن و بعد دوباره برمی‌گشتم، ولی وقتی وارد مایکروسافت شدم تا یکی دو سال به کسی از وضعیت بیناییم چیزی نگفته بودم، ولی وقتی به همه گفتم که من کم‌بینا هستم، فرایند تجهیز وسایل کمکی فوق‌العاده بود. من به بخش تدارکات مایکروسافت ایمیل زدم. استیسی، مسئول تدارکات، برام یه فرم فرستاد و من فرم رو پر کردم. استیسی گفت: خوبه، حالا برو هر چیزی رو که لازم داری بخر! من یه فهرست از همه وسایلی که نیاز داشتم تهیه کردم و استیسی گفت: خوبه، برو همه رو بخر و برای پرداخت از این کد استفاده کن! به این ترتیب همه وسایل مورد نیاز من فراهم شد.

نابینایان و کاندیداتوری مجلس شورای اسلامی

نگین حیدری: کنشگر حوزه حقوق معلولان

در هفتمین شماره از مجموعه معلولان و قوانین ایران، با توجه به نزدیک بودن انتخابات مجلس شورای اسلامی، در گفتگو با خانم زهرا عابدینی، مدرس دانشگاه و پژوهشگر مقطع دکتری حقوق عمومی، با موضوع نابینایان و کاندیداتوری مجلس، همراه شما هستیم.

مهمان این شماره در مقدمه، بحث حق انتخاب کردن و حق انتخاب شدن را دارای پیشینه‌ای کمتر از دو قرن می‌داند. او می‌گوید: در یونان باستان مردم با حضور در میدان اصلی شهر، مستقیم، در خصوص مسائل مهم و اساسی کشور اظهار نظر می‌کردند و رأی اکثریت اعتبار بیشتری داشت و تعیین‌کننده بود. پس از عصر روشنگری و وقوع رنسانس، مشارکت سیاسی مردم در امور کشور ضرورت پیدا کرد و نهادینه شد. با توجه به اینکه مبنای مشارکت سیاسی، حق تعیین سرنوشت است، از جمله حقوق اساسی و پشتوانه مشروعیت قدرت حاکمه محسوب می‌شود.

عابدینی اضافه می‌کند در حقوق عمومی صرف نظر از نژاد، رنگ، زبان، مذهب و وضعیت‌های انسانی از جمله معلولیت، اصل برابری فرصت‌ها را داریم، یعنی همه شهروندان از حقوق سیاسی برخوردار هستند. اگر استثنایی بر اساس هر یک از ویژگی‌های انسانی به وجود آید، دو اصل مشارکت سیاسی آحاد ملت و برابری فرصت‌ها که از زمره حقوق اساسی و بنیادین هستند، تضییع می‌شود. عابدینی در خصوص مؤلفه‌های یک حاکمیت خوب که در آن حق رأی دادن در نظر گرفته می‌شود و شهروندان رأی دادن را وظیفه خود می‌دانند، می‌گوید: برای بررسی مطلوبیت و کارآمدی یک نظام سیاسی، باید محدودیت‌های اعمال شده بر حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را در نظر گرفت. هر قدر

رو نمی‌دیدم، ولی من به همه کسانی که این مصاحبه رو می‌خونن، می‌گم دنبال شغلای مورد علاقه تون برید، مثلاً خود تو سم! تو به ویرایش فیلما علاقه داری. خیلی ساده، می‌تونن بگی من کم‌بینام و نمی‌تونم این کار رو انجام بدم، پس می‌رم به کار دیگه انجام می‌دم! کار مورد علاقه تون رو پیدا کنید؛ هرچی که باشه و براش تلاش کنید. وقتی شما عاشق کارتون هستید و مصممید که براش بجنگید، شاید مجبور باشید وقت بیشتری رو برای انجام دادنش صرف کنید، منم وقت زیادی رو صرف می‌کنم تا به ایمیل بخونم، اما از ابزارای دسترس‌پذیری مثل نرم‌افزارای صفحه‌خوان در ویندوز و موبایل استفاده می‌کنم. قطعاً فناوری به کمک شما می‌آد تا بتونید پیشرفت کنید و بهترین کارمند بشید، پس ریسکش رو بپذیرید و برید جلو. واقعیت اینه که دنیا داره خیلی آگاه‌تر از قبل می‌شه و امکانات هم داره بیشتر می‌شه.

– تو همیشه به شعار داری برای نابیناهایی که می‌خوان وارد بازار کار بشن، اون چیه؟

– بله! اگه به تازگی مشکل بینایی تون تشخیص داده شده، دوتا انتخاب دارید؛ می‌تونید تسلیم شرایطتون بشید یا اینکه با همین شرایط پیشرفت کنید. شما گزینه دوم رو انتخاب کنید.

– عالیه! خیلی ممنونم مت که با ما همراه بودی و ممنون از همراهی شما دوستان!



نسل‌مانا

که در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، در قوانین کشورهای مختلف انجام گرفت، مشخص شد نایب‌نایان از انتخاب شدن به‌عنوان نماینده مجلس، صرفاً به دلیل محرومیت از حس بینایی در هیچ‌یک از قوانین کشورهای آسیایی، آفریقایی، اروپایی و آمریکایی مورد پژوهش ممنوع نیستند. درنهایت در اصلاح قانون انتخابات مجلس در سال ۹۸، در ماده ۳۱ ضمن بیان شرایط عمومی انتخاب‌شوندگان، سلامت جسمی و روانی را به‌اندازه‌ای که محل انجام وظایف نمایندگی نباشد ضروری اعلام کرد و ممنوعیت انتخاب نایب‌نایان حذف شد. عابدینی این اصلاح قانونی را فرصتی بسیار مناسب برای حضور نایب‌نایان فرهیخته و توانمند در مسند نمایندگی مجلس به‌منظور تصویب قوانین ضروری و اصلاح قوانین محدودکننده و چالش‌برانگیز می‌داند.

او اضافه می‌کند به دلیل وجود قوانین ناکارآمد و نگرش‌های تبعیض‌آمیزی که هنوز در بسیاری از مسئولین اداری و اجرایی کشور وجود دارد، مسلماً راه برای نمایندگان منتخب جامعه افراد با آسیب بینایی دشوار، ولی دورنما بسیار روشن است، البته در میان جامعه نایب‌نایان و کم‌بینایان موافقان و مخالفانی درخصوص حضور نمایندگان نایب‌نایان در مجلس وجود دارد، ولی همان‌گونه که گروه‌های مختلف سیاسی، قومی، مذهبی در مجلس نمایندگانی دارند، حضور نماینده از جامعه افراد با آسیب بینایی در مجلس شورای اسلامی، به‌هیچ‌عنوان زمینه‌ای برای سلب مسئولیت سایر مقامات و مسئولان در انجام وظایف آنها نخواهد بود و تأثیر زیادی در رفع موانع قانونی و بسیاری مصلحت‌اندیشی‌ها و دفاع از منافع هم‌نوعان خواهد داشت.

علاقه‌مندان به آشنایی با مباحث مربوط به نایب‌نایان و کاندیداتوری مجلس شورای اسلامی، می‌توانند مشروح این گفتگو را در پادکست ضمیمه که از طریق وبگاه و کانال‌های نسل مانا قابل دریافت است، دنبال کنند.

میزان این محدودیت بیشتر باشد، آن نظام حاکمیتی از دموکراسی فاصله گرفته است. او حاکمیت قانون، شفافیت در عملکرد و اطلاع‌رسانی و پاسخ‌گویی مسئولان را از مهم‌ترین ویژگی‌های حاکمیت خوب می‌داند که ضمن در نظر گرفتن حق رأی برای شهروندان، حس مسئولیت و وظیفه‌مندی در آنها برای شرکت در امور سیاسی کشور به وجود می‌آورد.

مهمان این شماره از مجموعه معلولان و قوانین ایران ادامه می‌دهد: مشارکت عمومی در ابعاد مختلف، برای نتیجه‌بخش و کارآمد بودن باید آگاهانه باشد. یک شهروند قبل از حضور در انتخابات و استفاده از حق رأی خود باید آگاهی لازم نسبت به داوطلبان انتخابات و فعالیت‌های قبلی آنها، شیوه برگزاری انتخابات و حوزه‌های انتخاباتی و... داشته باشد. ویژگی دیگر مشارکت عمومی کارآمد، همگانی بودن و فرصت انتخاب کردن و انتخاب شدن در چهارچوب قانون برای همه است که در آن مفهومی به‌عنوان اقلیت معنا ندارد. هر شهروند که در جامعه سیاسی حضور دارد، این حق و اختیار را دارد که در انتخابات شرکت کند یا نکند و اجبار به شرکت در انتخابات، از نظر قانونی و جاهتی ندارد.

این کنشگر حوزه حقوق معلولان در مورد قوانین حاکم بر انتخابات مجلس و شرایط لازم برای داوطلبان، توضیح می‌دهد: در قانون اساسی و قانون انتخابات مجلس به این موضوع پرداخته شده است. اصل ۶ قانون اساسی، مدیریت کشور در حوزه‌های مختلف را به برگزاری انتخابات منوط کرده و اصل ۶۲ روند برگزاری انتخابات مجلس را بیان می‌کند. قانون انتخابات مجلس شرایط لازم برای انتخاب‌شدن به‌عنوان نماینده مجلس را، تابعیت، التزام عملی به قانون اساسی، اعتقاد به مبانی اسلامی و سلامت جسمی از جمله شنوایی، بینایی و گفتاری اعلام کرده بود. با پیگیری‌ها و مطالبه‌گری‌های مستمر کنشگران حوزه حقوق افراد با آسیب بینایی، به‌خصوص تأکید بر قدرت سایر حواس، از جمله حس شنوایی و پیشرفت‌های نوین علمی و همچنین پژوهشی

مخاطب کم‌بینا نسبت به نابینا در مقایسه با رادیو و فیلم‌های توضیح‌دار شنیداری تأثیرگذارتر است، اما در ایران کم‌بینایان و نابینایان هیچ‌گاه نتوانسته‌اند به تماشای برنامه‌ای از صفحه تلویزیون در کنار خانواده و سایر افراد بنشینند. این در حالی است که رسانه‌های کشورهای مختلف دنیا بیش از سی سال است با تدوین قوانین منطقه‌ای و ملی به پخش فیلم‌ها، سریال‌ها و برنامه‌های مورد علاقه نابینایان و کم‌بینایان از شبکه‌های تلویزیونی اقدام می‌کنند.

در حال حاضر، افراد نابینا و کم‌بینا در ایران می‌توانند فیلم‌های AD را تنها به صورت ضبط‌شده شنیداری گوش کنند و هنوز هیچ کانال تلویزیونی قابل دسترسی برای نابینایان وجود ندارد؛ به همین دلیل اینجانب در تاریخ ۲۵ مهر ۱۴۰۲ برای اولین بار طرح پخش فیلم‌های AD از تلویزیون را به رئیس سازمان صدا و سیما ایران ارائه دادم. به همراه طرح پیشنهادی، راهکارهایی برای اجرایی شدن آن نیز داده شد.

در گفتگو با متخصصان فنی در بخش سیما رسانه ملی به بنده گفته شد این قابلیت را می‌توان در شبکه‌های مختلف ایجاد کرد که یک فرد نابینا و کم‌بینا بتواند هم‌زمان با خانواده خود برنامه دلخواه تلویزیونی را از کانال مجزای صدا، تماشا کند. چون امکان تفکیک صدا هنگام میکس صدای گوینده روی فیلم وجود دارد، از طریق تلویزیون‌های هوشمند و یا ستاپ‌باکس می‌توان بدون تغییر کانال، باندی را که توضیحات صوتی روی آن پخش می‌شود، انتخاب و با استفاده از هدفون در کنار خانواده خود تماشا کرد؛ در واقع هر شبکه تلویزیونی دو باند صدا دارد که مخاطبان، تنها صدای باند اصلی را می‌شنوند. در صورت اجرای طرح، صدای توصیف‌کننده صوتی فیلم روی باند دوم پخش و قابل شنیدن می‌شود، البته عملیاتی شدن این امکان، نیاز به کمی تغییرات زیرساختی در شبکه مورد نظر تلویزیونی هم دارد.

تلویزیون ایران و پخش فیلم‌های

توصیف صوتی شده

جواد سقا: دانش‌آموخته دکتری علوم ارتباطات



توصیف صوتی یا audio Description که به اختصار آن را «AD» می‌نامند، نسخه‌ای کلامی از تصویر است. این روش به افرادی که نابینا هستند یا دارای آسیب دیدگی بینایی هستند، برای درک بهتر آنچه نمی‌بینند کمک می‌کند. امروزه توصیف صوتی در فیلم‌ها و برنامه‌های تصویری کاربرد بسیاری دارند. با توجه به اینکه بیش از سی سال است شبکه‌های تلویزیونی کشورهای مختلف دنیا با پخش برنامه‌های توصیف صوتی شده برای نابینایان و کم‌بینایان سعی در برقراری عدالت و اهداف جامعه فراگیر دارند، پس باید این خدمت را نیازی اجتماعی و حقی برای سایر شهروندان با نیاز خاص دانست. باید در جامعه امکانی فراهم شود تا بتوانند از طریق توضیحات یک راوی یا توصیفگر صوتی به محتوای فیلم‌ها، سریال‌ها و سایر برنامه‌های رسانه دسترسی مطلوب‌تری داشته باشند.

امکان استفاده جامعه فرهیخته نابینایان و کم‌بینایان ایران برای تماشای برنامه‌های تلویزیونی روش‌های خاصی را می‌طلبد. بر اساس نتایج طرح‌های تحقیقاتی انجام شده در دنیا نظیر (ITC ۲۰۰۰)، ادلب (۲۰۱۴)، (۲۰۱۷)، استایدر (۲۰۱۴، ۲۰۰۵) در زمینه سنجش نیاز مخاطبان به توصیف صوتی در رسانه‌های مختلف، تلویزیون محبوب‌ترین رسانه در میان افراد دارای مشکلات بینایی است. به گفته روویرز (۲۰۱۶) علت این موضوع می‌تواند پوشش گسترده و متنوع برنامه‌های مختلف از جمله فیلم، سریال، انیمیشن، طنز، مسابقه، سرگرمی، مستند و سایر برنامه‌ها در این رسانه باشد. تلویزیون به دلیل توانمندی تصویری در تأمین نیازهای

وسيله‌ای برای انجام این کار است و AD یکی از این خدمات است.

کشورهای بسیاری در دنیا به پخش برنامه‌های توصیف صوتی‌شده ویژه نابینایان و کم‌بینایان از تلویزیون اقدام می‌کنند. این موضوع بهانه‌ای شد تا با ارائه سلسله‌مقالاتی درصدد معرفی بهتر و بیشتر خدمات توصیف صوتی در دنیا و ایران باشیم.

در سلسله‌مقالاتی که اولین آن را ملاحظه می‌کنید، تلاش می‌شود شناخت کاملی از توصیف صوتی فیلم ارائه شود. در دو شماره آینده به اینکه توصیف صوتی چیست و مفاهیم آن می‌پردازیم، به اینکه کاربران توضیحات چه کسانی هستند خواهیم پرداخت، تاریخچه توصیف صوتی را مرور می‌کنیم، با روند مجهز شدن سینماها به سیستم توصیف صوتی - ورود AD به تلویزیون آشنا می‌شویم، توصیف صوتی در تئاتر را بررسی می‌کنیم، فرایند تولید توصیف صوتی فیلم را مرور خواهیم کرد و طرح‌ها و استانداردهای توصیف صوتی فیلم را به شکلی مختصر ارائه می‌دهیم. پس از آن در ادامه گروه‌های ایرانی فعال در این حوزه را معرفی می‌کنیم، علت توسعه توصیف صوتی تجربی در ایران، تجربه زیسته نابینایان از خوانش تصویر، کیفیت AD تجربی در ایران و درنهایت کلام آخر و توصیه به فیلم‌سازان را ارائه خواهیم کرد. امید است مورد استفاده قرار گیرد.



طرح در تاریخ ۶ آبان‌ماه از حوزه ریاست سازمان برای بررسی به معاونت سیما ارسال شد. پس از آن هم برای شبکه تلویزیونی سلامت فرستاده شد و درنهایت در تاریخ ۱۳ آذر دوباره به معاونت سیما و پس از مدتی به همان مبدایی که نامه ارسال شده بود بازگشت، با این مضمون که این طرح باید در رادیو اجرا شود! متأسفانه مدیران مرورکننده نامه حتی آگاه نبودند که از سال ۱۳۹۰ برنامه‌ای به نام «رادیوفیلم» در شبکه رادیویی نمایش وجود دارد و نیاز افراد نابینا و کم‌بینا برای تماشای فیلم‌هایی با توصیف صوتی از تلویزیون درک نشد. در مدت‌زمان بررسی طرح پخش فیلم‌های توصیف صوتی شده از تلویزیون، هیچ‌گاه از بنده نخواستند در مورد طرح توضیح دهم! پخش فیلم‌های توصیف صوتی شده به شکلی تصویری و به‌ویژه از تلویزیون از این نظر اهمیت دارد که بخش عمده‌ای از مخاطبان این‌گونه فیلم‌ها را افراد کم‌بینایی که همانند نابینایان به توصیف صوتی نیاز دارند و بیشتر افراد دارای اختلال‌های بینایی تشکیل می‌دهند. متأسفانه عدم درک مخاطب دارای اختلال‌های بینایی باعث اقدام‌ها و تصمیم‌های نادرست می‌شود.

این در حالی است که طبق ماده ۲۱ قانون حمایت از حقوق معلولان (۱۳۹۷)، سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران مکلف است بخشی از برنامه‌های تلویزیونی خود را به این افراد اختصاص دهد و نسبت به مناسب‌سازی فیلم‌ها و برنامه‌های شبکه‌های مختلف سیما، و نیز پخش توصیف صوتی فیلم‌ها برای افراد نابینا و کم‌بینا اقدام کند.

ارائه این خدمات در معاهده‌ها و قوانین بین‌المللی مانند کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت سازمان ملل متحد، در سال ۲۰۰۸ لازم‌الاجرا شده است. ارائه این خدمات بر این اصل استوار است که ما برای فراگیر بودن اجتماعی در جامعه‌ای که افراد دارای شرایط متنوع هستند، مسئولیت جمعی داریم. خدمات دسترسی،

یاد و خاطره از مهم‌ترین آموزشگاه

نابینایان در تهران

محمد نوری: پژوهشگر حوزه معلولیت



مهدوی بود. او صاحبان را راضی کرد تا آنجا را به مدرسه نابینایان اختصاص دهند و از سال ۱۳۴۰، شروع به ساخت آن کرد. این زمین، خارج از محدوده شهری بود و علوی تصمیم گرفت اسم آن را «آموزشگاه نابینایان رضا پهلوی» بگذارد تا بتواند از تسهیلات دولتی استفاده و از موانع اداری گذر کند. مدرسه در سال ۱۳۴۳، به صورت رسمی افتتاح شد.

مدیریت این آموزشگاه در سال ۱۳۴۴ تصمیم گرفت، بخشی برای آموزش دختران نابینا ایجاد کند. این بخش پس از فراهم کردن مقدمات، در ۱۳۴۵ راه‌اندازی شد و دختران نابینا پذیرش شدند. خوابگاه و ساختمان شبانه‌روزی و کارگاه‌هایی هم برای آموزش حرفه‌ای دختران دایر شد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی

پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، نام این آموزشگاه به «آموزشگاه علوی» تغییر یافت. دولت در اسفند ۱۳۵۸ لایحه‌ای به شورای انقلاب تقدیم کرد و خواستار ادغام آموزشگاه در وزارت آموزش و پرورش شد. همچنین درخواست کرد تا کارکنان و کارمندان این آموزشگاه مشمول قانون استخدام کشوری شوند.

شورای انقلاب در تاریخ ۲۲ اسفند ۱۳۵۸، ماده‌ای به شرح زیر تصویب کرد:

ماده واحده: از تاریخ تصویب این لایحه قانونی، آموزشگاه نابینایان علوی (رضا پهلوی سابق) در وزارت آموزش و پرورش ادغام شد.

نام این آموزشگاه از سال ۴۳ تا اسفند ۵۷ رضا پهلوی بود، از ۵۷ تا اسفند ۵۸ آموزشگاه علوی شد و پس از الحاق به آموزش و پرورش به «شهید محبی» تغییر یافت.

تحولات آموزشی

نام کامل این آموزشگاه از ۱۳۵۸ «مجتمع آموزشی نابینایان شهید محبی» بود، ولی «مدرسه شهید محبی»، «مجتمع شهید محبی» و «مجتمع نابینایان محبی» هم نامیده می‌شد. فعالیت‌های آموزشی آن از

بسیاری از نابینایان با آموزشگاه شهید محبی آشنا هستند و از آنجا خاطره‌های فراوان دارند. افراد دارای آسیب بینایی از شهرهای مختلف، در دهه پنجاه به بعد در این آموزشگاه تحصیل کرده‌اند و معلم، وکیل و استاد دانشگاه شدند یا در مشاغل دیگر به کار مشغول شدند. همچنین نابینایان قدیمی‌تر در این مدرسه به‌عنوان مربی و معلم فعالیت کردند. کارنامه شصت‌ساله این آموزشگاه نشان می‌دهد در رشد و پیشرفت فرهنگی و اجتماعی جامعه نابینایان ایران مؤثر بوده و در تاریخ تحولات این جامعه نقطه عطف و رخدادی تأثیرگذار بوده است. متأسفانه الآن فقط یادی و نامی از این مدرسه باقی مانده و با تخریب آن، مجتمع جدیدی به نام «جواد موفقیان» ساخته شد. این مقاله، به اجمال، سیر تحولات این نهاد را از آغاز تا کنون بررسی می‌کند.

احداث

در سال ۱۳۴۰، چشم‌پزشکی به نام «دکتر حسن علوی» با دیدن مدرسه نابینایان در خیابان ری قدیم، در تهران، تصمیم گرفت مرکزی آموزشی با شاخص‌های مدرن؛ آن‌گونه که در اروپا دیده بود، در تهران دایر کند. زمینی حدود سی‌هزار مترمربع در جاده کن قدیم (بلوار کاشانی کنونی) متعلق به برادران

خوابگاه، سالن ورزش، سالن اجتماعات و سالن غذاخوری نام برد.

بر اساس گزارش سال ۶۲، این مجتمع ۱۷۱ دانش‌آموز و ۳۵ معلم داشته است. پس از پیروزی انقلاب، کارگاه‌های مختلف آن کمتر فعال بوده است. کتابخانه این مجتمع نسبت به کتابخانه‌های دیگر نابینایان منابع بیشتری دارد که در مقاله‌ای دیگر به آن می‌پردازیم. اکنون مجتمع نابینایان شهید محبی در تهران، ابتدای بزرگراه آیت‌الله کاشانی، پس از فلکه دوم صادقیه، قرار دارد.

کتابخانه و دیگر بخش‌های آموزشی

بنیان‌گذاران این مرکز از ابتدا طرح جامعی در نظر داشتند و علاوه بر کلاس درس، کتابخانه، استودیو و بخش تاکسیدرمی یا آموزش اشیای حجمی و حیوانات خشک‌شده هم ایجاد کردند. کتابخانه این مرکز در دوره‌ای نسبت به دیگر کتابخانه‌ها جامع‌تر و فعال‌تر بوده است. این کتابخانه که در ۱۳۴۳ تأسیس شد، سه نفر کارمند داشت و هفت‌هزار جلد کتاب بریل و پنج‌هزار حلقه کتاب صوتی. در دوره‌ای صفایی مدیر کتاب‌های بریل و ماهرخ نیک‌خواه مدیر کتاب‌های صوتی بود. چندی سئولیت تهیه کتاب‌های درسی نابینایان کل کشور را بر عهده داشت.

نام جدید

در دهه هشتاد، مدیران آموزش و پرورش تصمیم گرفتند این واحد آموزشی را بازسازی کنند. شخص نیکوکاری به نام «جواد موفقیان» بازسازی را بر عهده گرفت و تمام ساختمان‌های قدیمی را تخریب و ساختمان جدیدی ساخت. او تابلوی قدیمی را برداشته و چند تابلو به نام «مدرسه جواد موفقیان» نصب کرده است.

تا جایی که امکان داشت و بررسی کردم، تابلو یا نشانی از ساختمان و ساختار سابق باقی نمانده است؛ با اینکه می‌توانستند مثل مدرسه کریستوفل، در اصفهان، بخشی از ساختمان قدیمی را نگه دارند و تخریب نکنند

مهر ۱۳۴۳، با پانزده دانش‌آموز خردسال و هجده دانش‌آموز بزرگ‌سال که تحصیلات ابتدایی را در کانون آموزش رودکی به پایان رسانده بودند آغاز شد، از جمله مهم‌ترین فعالیت‌های اولیه این آموزشگاه، تهیه وسایل ویژه نابینایان از سایر کشورها، اعزام مربیان به خارج از کشور به منظور تحصیل و کسب تخصص در زمینه آموزش و پرورش نابینایان و تشکیل کلاس‌های هنری و کارگاه‌های حرفه‌ای مانند نجاری، برس‌سازی، بافندگی و کارهای دستی است.

هیئت‌مدیره، به‌طور مستقل، تا مهر ۱۳۵۷ این مجتمع را اداره می‌کرد. مجتمع بودجه اختصاصی داشت که از سوی برخی سازمان‌ها و نهادهای دولتی تأمین می‌شد. پس از آن بودجه مجتمع از طریق سازمان برنامه و بودجه تأمین و اداره آن بر عهده وزارت آموزش و پرورش گذاشته شد. این آموزشگاه از فروردین ۱۳۵۹، به‌طور کامل، زیر نظر دفتر کل آموزش استثنایی وزارت آموزش و پرورش قرار گرفت. در حال حاضر بخشی از هزینه‌های آن از طریق کمک‌های مردمی تأمین می‌شود و تمام هزینه‌های دانش‌آموزان بر عهده مجتمع است.

اکنون مجتمع مذکور بزرگ‌ترین مجتمع آموزشی نابینایان در ایران است که کلاس‌های درس، کلاس‌های امور فرهنگی، دینی، کتابخانه و آزمایشگاه دارد. در مقطع ابتدایی مجتمع، علاوه بر کلاس‌های آمادگی کودکان نابینا، کلاس‌های آمادگی ویژه کودکان «چند معلولیتی» نیز دایر شده است. در این مجتمع مقطع تحصیلی متوسطه نیز وجود دارد و دانش‌آموزانی که در شهر، روستا یا محل سکونتشان به مراکز آموزشی دسترسی ندارند، به‌صورت شبانه‌روزی و بقیه به‌صورت روزانه از کلاس‌های مجتمع استفاده می‌کنند. بعضی از معلمان این آموزشگاه نیز نابینا هستند. از دیگر فعالیت‌های آموزشی، رفاهی و توان‌بخشی این آموزشگاه می‌توان از برنامه آموزش خانواده، آموزش موسیقی، اردوهای تابستانی، مسابقه‌های ورزشی،

آدم‌برفی

موسی عصمتی: شاعر نابینا



مثل یک کودک بی‌حوصله، آدم‌برفی

دارد از این همه آدم گله آدم‌برفی

مدتی هست که او عاشق خورشید شده است

عاشق داغ‌ترین مسأله، آدم‌برفی

آب می‌گردد از این رابطه نورانی

شاعر برف و زمستان، بله، آدم‌برفی

کاش بال و پری از جنس پریدن می‌داشت

می‌گرفت از همه‌مان فاصله آدم‌برفی

می‌گذشت از ته یک دره بی‌نیلوفر

با دو تا پای پر از آبله، آدم‌برفی

دوست دارد که دلش آب شود، چشمه شود

سر راه عطش قافله، آدم‌برفی

دوست دارد بنشیند لب این چشمه سرد

عصرها دسته‌ای از چلچله، آدم‌برفی

عکس خورشید سراپا همه‌اش قاب شود

در دل کودک بی‌حوصله، آدم‌برفی

و عکس‌های معلمان و مدیران سابق و همه آثار مثل تابلوها، حتی یکی‌دو میز و نیمکت را در آن ساختمان در معرض دید عموم قرار دهند. چنین موزه‌ای نشانگر پیشینه و هویت و تحولات تاریخی نابینایان در ایران و نیز احترام به افرادی است که سال‌ها به‌عنوان معلم یا مدیر یا حتی مستخدم در آنجا فعالیت داشتند.

همچنین باینکه نهادهای دولتی برای آموزش و پرورش نابینایان خدمات گسترده‌ای داشته‌اند، ولی هیچ‌جا ثبت نشده و تاریخی در این زمینه تدوین نشده است؛ هرچند معلولیت‌های دیگر هم تاریخ ندارند، چون اسناد و مدارکی وجود ندارد و هر رئیسی آمده، اسناد و مدارک سابق را معدوم کرده است!

نگاهی به زندگی دو شخصیت

در این بخش دکتر حسن علوی، بنیان‌گذار، و اسماعیل محبی به‌عنوان کسی که سال‌ها نامش بر این مدرسه می‌درخشید، به اجمال، معرفی می‌شوند.

علوی در ۱۲۸۸ش در بوشهر متولد شد. ابتدا به ارتش پیوست، ولی بعد در دانشگاه تهران رشته پزشکی را به پایان رساند. او استاد کرسی چشم‌پزشکی در بیمارستان امیراعلم بود و در سال ۱۳۸۵، در ۹۷ سالگی، در تهران درگذشت.

اسماعیل محبی در ۳۱ شهریور ۱۳۳۳، در تهران متولد شد. او نابینا بود. دوره دبیرستان را در مدرسه شهید مطهری به پایان رساند. به موسیقی علاقه داشت و سنتور می‌نواخت؛ خوب شطرنج بازی می‌کرد. پس از پایان دبیرستان و گرفتن دیپلم به دانشگاه راه یافت و در رشته حقوق تحصیل کرد. پس از اخذ مدرک کارشناسی، به دلیل تعطیلی دانشگاه‌ها در جریان انقلاب فرهنگی به قم رفت و شروع به تحصیل علوم حوزوی کرد. محبی پس از چند سال به‌عنوان قاضی به کار مشغول شد. او به کردستان رفت، ولی در راه بوکان با انفجار به شهادت رسید.

او صحبت‌هایش را راجع به سینما، تئاتر و موسیقی با این توضیح شروع می‌کند که سینما در سال ۱۸۹۵م توسط برادران لومیر اختراع شد. پنج یا شش سال بعد از این اختراع، یعنی در سال ۱۲۷۹ش، مظفرالدین‌شاه قاجار در سومین سفر خود به اروپا دوربین سینماتوگراف را به ایران آورد. سرایی در ادامه مراحل پیشرفت سینما در ایران را می‌گوید.

او راجع به موسیقی هم توضیح می‌دهد که عقبه آن به دوران باستان بازمی‌گردد؛ به زمان نکیسا و باربد. همچنین می‌افزاید بعد از اسلام بعضی از دانشمندان در این زمینه تلاش‌های بسیاری کرده و در ساخت ساز نیز دستی داشته‌اند، مثلاً ساخت ساز قانون را به فارابی نسبت داده‌اند. انسجام موسیقی و نوشتن نت‌ها مبتنی بر حروف ابجد در قرن هشتم توسط عبدالقادر مراغه‌ای صورت گرفته است. موسیقی‌ای هم که امروزه می‌شنویم بر اساس ردیف‌ها و مقاماتی است که میرزا عبدالله تنظیم کرده است. سرایی همچنین در باب موسیقی در قرون اخیر هم توضیحاتی می‌دهد که شنیدن آن در پادکست خالی از لطف نخواهد بود.

میهمان نواک در باب تاریخچه تئاتر می‌گوید که ردپای تئاتر را باید در یونان باستان جست‌وجو کرد؛ بنابراین معتقد است که بهترین معلم‌ها و معرف‌ها در این حوزه کتاب‌هایی هستند که با بیان همه نکات و جزئیات بهترین راهنماها محسوب می‌شوند.

سرایی در پاسخ به این سؤال که کدامیک از سازها ساخت هنرمندان ایرانی است، می‌گوید: چنگ و رباب و عود از سازهایی هستند که کاملاً ایرانی هستند و ساخت آنها هم در ایران بوده است.

مجید سرایی در ادامه گفتگویی خود با نواک ابتدا به دسته‌بندی کتاب‌های موجود در موضوع هنر، به‌خصوص تئاتر، موسیقی و سینما می‌پردازد و سپس با بیان نمونه‌هایی در هر زمینه سعی دارد تا علاقه‌مندان را با کتاب‌های موجود آشنا کند. او در دسته کتاب‌های

نواک: نوای کتاب در گفتگو با

صاحب‌نظران نابینا

رقیه شفیعی: کارشناس بخش نابینایان نهاد

کتابخانه‌های عمومی ایلام



درد بر خوانندگان همیشگی نواک. مفتخریم تا بار دیگر با حضور میهمانی دیگر در خدمت شما خوبان باشیم و از لابه‌لای قفسه‌های کتاب برای آشنایی با تاریخچه تئاتر، سینما و موسیقی کتاب‌هایی را بیرون بکشیم و راجع به آنها به گپ و گفت بنشینیم.

میزبان مجید سرایی شده‌ایم که هفده سال است در عرصه رسانه کار می‌کند. فعالیتش را با سینما شروع کرده و به مرور تئاتر و موسیقی نیز به کارش اضافه شده است. همچنین طی ده سال اخیر در حوزه شهری هم فعالیت داشته است.

سرایی بهترین روش مطالعه تاریخ هنرهای چون سینما، تئاتر و موسیقی را آشنایی و مطالعه کتاب‌های نوشته‌شده در این حوزه می‌داند و درعین حال اذعان می‌دارد که همه این کتاب‌ها برای افراد با آسیب بینایی به زیور صوت آراسته نشده یا برگردان بریل ندارند، اما همان اندک منابعی هم که قابل دسترسی است، چشم‌انداز لازم را برای افراد علاقه‌مند که می‌خواهند در حوزه تاریخ هنر اطلاعاتی کسب کنند فراهم می‌آورد.

نامه‌ای به یک دوست : هفته‌روزنامه ایران سپید؛ اولین رسانه هوشمند در جهان



خدمت ملوکانه مملو از جبار و جبروت وزیر وزیران،
ارشادالممالک ارجمند

اول عرض سلام و ادب و خضوع و خشوع این حقیر را
پذیرا باشید. خداوند را شاکریم که در ایامی پای در
گهواره هستی نهادیم که مصادف شدیم با جلوس شما
بر سریر سلطنت.

و اما بعد بازهم خدای - عز و جل - را شاکریم که چنین
وزیری بافرهنگ اعطایمان کرد که هم فرهنگ می‌داند
و هم ارشاد. هم سلب‌ریتی‌های گمراه را تأدیب هم آن
بی‌خبران را که ایادی بیگانه شده‌اند ارشاد می‌کند.

جناب وزیر! ما به‌عنوان کسی که سمیعیم و بصیریم و
خوشیم، خواستیم از دوستان شما در روزنامه ایران سپید
تشکرات فراوان داشته باشیم برای خدمات هوشمندانه و
ارزنده‌ای که داشته‌اند. خب! راستش ما با شما و
دوستانتان کاملاً همدل و هم‌رأی هستیم که هرچه
بدبختی داریم زیر سر این فضای اهریمن مجازی است.
مگر آن زمان که با درشکه این‌ور اون‌ور می‌رفتند و برق
و آب هم در خانه‌ها نبود، این همه بدبختی بود؟ صبح تا
شب همه کار می‌کردند و بیل می‌زدند و زمین می‌کنند
و کشاورزی و دامداری و بقالی و چقالی می‌کردند تا نانی
دربیاورند و به محنت نخورند. به هیچ‌کس هم مربوط

پژوهشی برای تئاتردوستان ابتدا کتاب تاریخ تئاتر از ویل
دورانت را معرفی می‌کند که از شکل‌گیری تئاتر گرفته
تا معرفی مکاتب و سیر تاریخی تئاتر تا قرن نوزده و
بیست میلادی در آن مطرح می‌شود. کتاب دیگر، نمایش
در ایران، اثر بهرام بیضایی، است که برای
نمایش‌دوستان اثری حائز اهمیت است. این کتاب به
پیشینه نمایش در ایران و انواع نمایش پرداخته است.

برای موسیقی‌دوستان سرگذشت موسیقی ایران از
روح‌الله خالقی در
سه جلد و برای
طرفداران سینما
دو کتاب تاریخ
سینمای جهان، از
دیوید بوردول و
کریستین تامسون،



با ترجمه روبرت صافاریان و تاریخ سینمای ایران نوشته
جمال امید کتاب‌هایی هستند که مجید سرایی برای
هندوستان معرفی می‌کند. همچنین سرگذشت موسیقی
جاز، اثر یو آخیم برنت، ترجمه پرتو اشراق، برای کسانی
که می‌خواهند هنر را به بریل مطالعه کنند، در هشت
جلد به چاپ رسیده است.

دیگر کتاب‌هایی که برای علاقه‌مندان به هنر می‌توانند
جذاب باشند، کتاب‌های خاطرات یا سرگذشت‌نامه‌ها
هستند که خود این کتاب‌ها هم به دو دسته تقسیم
می‌شوند؛ یکی کتاب‌هایی که خود هنرمند می‌نویسد،
یعنی خودزندگی‌نامه و دیگری کتاب‌هایی که بر اساس
گفتگوهای با شخصیت هنری تألیف می‌شوند. سرایی
پس از ذکر این دسته‌بندی‌ها به بیان و معرفی
نمونه‌هایی از این دست نیز می‌پردازد.

در پایان یادآور می‌شوم که برای تهیه کتاب‌های
معرفی‌شده و هر منبع مطالعاتی دیگر به بخش‌های
نابینایان و کم‌بینایان کتابخانه‌های عمومی در سراسر
کشور مراجعه کنید.

نسل‌مانا

چاره‌ای برای ما نگذاشتند که با چماق آنها را هدایت کنیم. خب! می‌دانید اصلاً این بحث کاملاً علمی و روان‌شناسی است که میزانی از کتک برای هدایت خلق‌الناس نسناس لازم است. خود کشورهای غربی هم دیگر به این موضوع کامل پی برده‌اند.

باری در آن سال‌ها فریادها و چماق‌های ما به جایی قد نداد و روزنامه‌ی ایران سپید همه‌جا منتشر می‌شد و این روشن‌دلان گمراه آن قدر تشنه بودند که این فسادنامه را دست‌به‌دست می‌چرخاندند، ولی از آنجا که در همیشه بر یک پاشنه نمی‌چرخد، بالاخره سواری این دوستان هم سر آمد و روزهای گمراهی آخر شد. اواسط دهه‌ی ۸۰ که دوست عزیزمان که بعداً منحرف شد، فرمان را در دست گرفت، دوران طلایی این روزنامه وزین شروع شد. روزنامه که به دست ما و همفکرانمان افتاد، گفتیم باید برای شستن آن همه چرندیاتی که در این ده سال گذشته به خورد ملت داده‌اند کاری بکنیم. این شد که کل صفحات روزنامه را اختصاص دادیم به چاپ نصایح درباره‌ی اخلاق و درست‌کاری. اتفاقاً تأثیر مثبت فراوانی هم داشت و شنیدیم روشن‌دلان عزیز آن قدر این روزنامه را در آن ایام دوست داشتند که حتی هنگام سبزی پاک کردن و خانه‌تکانی عید هم دست از آن برنمی‌داشتند.

وزیرجان! همه‌چیز داشت خوب پیش می‌رفت تا دوباره گمراهان آمدند و فرمان را از ما گرفتند. آخر من نمی‌فهمم چرا ما انسان‌های فهمیده به این مقوله‌ی احمقانه و غربی دموکراسی تن داده‌ایم؟! مگر عموم مردم بینش سیاسی دارند که بخواهند رأی بدهند یا حق انتخاب داشته باشند و فرمان را هر چند وقت یک‌بار از دست ما دریاورند؟! به‌خدا باید یک‌بار برای همیشه ریشه‌ی این مسخره‌بازی‌ها را بکنیم و مثل مرحوم محمدعلی‌شاه گرامی مجلس را به توپ ببندیم و همه‌ی انتخابات را تعطیل کنیم تا بازهم خدای‌ناکرده فرمان از دستمان درنیاید!

نبود سلطان چه غلطی می‌کند یا شازده چه خاکی بر سرش ریخته.

تا اوضاع این چنین بود، همه‌چیز نظم طبیعی داشت و بر وفق مراد بود، رعیت سی خودش؛ سلطان سی خودش. زد و این فراماسون‌ها آمدند و دورهم جمع شدند و گفتند چه کنیم آرامش جهان را به هم بزنیم و دین و دنیای همه را به باد بدهیم، به این فکر افتادند فضای مجازی را اختراع کنند، بعدش هم پول دادند به آن ادیسون ملعون که برق منحوس را اختراع کند و خوب می‌دانید علم‌الفساد که آمد، پشت‌بندش همه‌چیز آمد. از تلفن و تلگراف گرفته تا اینترنت و تلگرام و شد آنچه نباید می‌شد. رعایایی که تا دیروز سلطان را ظل‌الله می‌دانستند، دم درآوردند و خواستار پاسخ‌دهی سایه‌ی خدا شدند. همین شد که امروز همین رعایای نمک‌نشناس، خواستار پاسخ‌دهی نمایندگان بی‌واسطه‌ی آسمان‌ها شده‌اند.

ای ارشادالدوله گرامی! ما تا بیست بیست و پنج سال پیش بسیار دل‌خوش بودیم که حداقل روشن‌دلان عزیز از این قافله‌ی فساد به دور هستند و گزندی نمی‌بینند. یادش به خیر کل سرگرمی روشن‌دلان عزیز رادیو بود و کلاً هم سه کانال بیشتر نداشت! اما همین که در دهه‌ی منحوس ۷۰ روزنامه‌ها رونق گرفتند و فساد همه‌گیر شد، عده‌ای آمدند و برای روشن‌دلان هم روزنامه زدند و این عزیزان آسمانی را آلوده کردند. چقدر ما در آن زمان خودمان را به در و دیوار زدیم که این فسادنامه چاپ نشود و روشن‌دلان، کوردل نشوند، اما گویی مقاومت در برابر قسمت ممکن نیست.

آخ که نگوییم از آن روزها برایتان که چه برویایی داشتند این روزنامه‌چی‌های خیرنیده! کلی آدم دور خودشان جمع کرده بودند و به هر دری می‌زدند تا مخاطب جمع و جور کنند. الحمدالله این دوستان روشندل ما هم که ذره‌ای از پس پرده خبر نداشتند که چطور دارند توسط عده‌ای گمراه می‌شوند! آن قدر این غفلت زیاد بود که

اینکه روزنامه را کرده‌اند هفته‌نامه و با ناقلایی تمام یک‌طوری چاپ می‌کنند که هیچ‌کس نمی‌فهمد این روزنامه نیست، مثلاً یک هفته کلاً تاریخ شنبه را منتشر می‌کنند، هفته بعد کلاً یکشنبه و همین‌طور تا پنج‌شنبه!

خداوکیلی این دوستان ما بسیار باهوش هستند! این مدلی هم روزنامه سرپاست و کسی نمی‌تواند انگ به ما بزند که با روشنفکری مخالفیم؛ هم درون مایه انحرافی ندارد هم سهمیه کاغذ را دریافت می‌کنند که منبع درآمد خوبی برای کارهای فرهنگی دیگر است و هم می‌توانیم ژست انسان‌دوستانه بگیریم که ما در دولت محرومان، به فکر روشن‌دلان عزیز هستیم. برای این انتخابات هم می‌توانیم کلی روی آن مانور بدهیم. جداً دست‌مریزاد!

آقای وزیر عزیز! ما با نگارش این درنامه قصد داشتیم از هوش و ذکاوت گردانندگان این روزنامه وزین تقدیر و تشکر کنیم و از شما بخواهیم ضمن اعطای ارتقای درجه به این عزیزان، از همین روند الگوبرداری کنید و این بساط را سر سایر روزنامه‌ها و سینما و تلویزیون و اینترنت و فضای مجازی دریاورید و به نظرم فقط رادیو را بگذارید بماند که اگر خواستیم سخنرانی بشنویم مشکلی نباشد. من ضمانت می‌کنم این‌طوری بسیاری از مشکلات اجتماعی، از فقر و فساد و تورم و رشوه و دزدی و مهاجرت نخبگان و آلودگی هوا و مسائل محیط‌زیستی و کم‌آبی و سوء‌مدیریت‌ها و فساد گسترده اداری و به‌طور کل ناکارآمدی موجود حل می‌شود و ما خوشبخت و سعادتمند می‌شویم.

برای شما طول عمری برابر با نوح آرزومندیم.

خاکسار کم‌مقدار

موشکاف

ببخشید که من همه‌اش درد دلم باز می‌شود و به بیراهه می‌روم! به‌رحال وقتی دوباره فرمان از دست ما شد، باز این قوم‌الظالمین آمدند و شروع به ترک‌تازی کردند و روزنامه را آن‌طور که می‌خواستند منتشر کردند، اما در این زمان دیگر آن قدر فجازی زیاد شده بود که کوران رغبتی به این چرت‌نامه نداشتند.

خدا می‌داند که ما چه‌ها کشیدیم تا هشت سال بعد دوباره جبهه را از این گمراهان پس گرفتیم! ولی این دیگر بار آخر است، راستش ما از اقتدار دوستان شما بسیار خوشحال شدیم که این تاریک‌نامه را بالکل تعطیل کردید و انتظار داشتیم با همین فرمان جلو بروید و باقی روزنامه‌ها و بعد اینترنت و تلویزیون و ماهواره را گل بگیرد. خیلی خوب می‌شد اگر این‌طور می‌شد! باور کنید همه مشکلات جهان حل می‌شد!



چند وقت پیش دیدم این روزنامه وزین دوباره منتشر شده؛ آن‌هم به‌صورت نسخه بریل. راستش خیلی از دست دوستان شما عصبانی شدم و چماقم را برداشتم بروم با این عزیزان چانه‌زنی اساسی بکنم، اما بیشتر که بررسی کردم، دیدم چقدر کار سیاست‌مداران‌ای کرده‌اند. روزنامه را که به دست گرفتیم، دیدیم خیلی لاغر شده. طفلکی هفت‌هشت صفحه بیشتر نبود. از آن بهتر اینکه داخلش هم چیز خاصی نداشت که بخواهد به درد کسی بخورد یا خدای‌ناکرده کسی را گمراه کند. چند تا خبر تکراری و سوخته که همین صدا و سیمای مزخرف خودمان هم دارد پخش می‌کند. از آن بسیار شیرین‌تر



برجسته نگار هوشمند همراه، تولید شرکت پکتوس



صاحب امتیاز: انجمن نابینایان ایران

وبسایت: www.naslemana.com / ایمیل: info@naslemana.com

اینستاگرام: [@naslemana](https://www.instagram.com/naslemana) / تلگرام: [@naslemana](https://www.telegram.com/@naslemana) / واتساپ: +۹۸ ۹۱۲۷۲۷۷۵۵۳

شماره تماس: ۰۲۱-۲۲۵۶۰۲۵۵ / سامانه پیامکی: ۵۰۰۰۲۲۲۲۲۶